

از ارسال کننده سپاسگزاریم

حزب توده ایران

به روایت اسناد

نه ادعاهای شفاهی

روزبه افضلی

مقاله زیر در پاسخ به اظهارات آقای پرویز نویدی در مصاحبه با رادیو رسانه تهیه شد.

بررسی تاریخ جنبش رهایی بخش ملی و در درون آن جنبش چپ در میهن ما در هر دوران وقتی اعتبار علمی و جامع به دست می آورد که مبتنی بر بررسی مستند و بی غرضانه سیر این جنبش در چارچوب مشخصات زمانی و مکانی آن باشد. بررسی این تاریخ برای ستایش قهرمانان و یا نکوهش یاران نیمه راه نیست. این بررسی از آن جهت دارای اهمیت شگرف است که از آن عبرت اندوزی کنیم، دلایل پیروزیها و شکستها را به دقت بررسی کنیم، قضاوتهای گذشته را واریسی نموده و جایگاه دوست و دشمن را به درستی نشان دهیم. این بررسی بایستی مبتنی بر عوامل عینی از جمله مختصات تاریخی تکامل جامعه در سده اخیر، نقش امپریالیسم و عمال آن، ترکیب طبقاتی جامعه ایران، موقعیت طبقه کارگر، سطح اندیشه مدنی و فرهنگی جامعه، روحیات و سنن سازمانی، موازین رهبری، شیوه های رزم و پیکار و سایر عوامل، بدون دشمنی و غرض ورزی کین توزانه با رقبای سیاسی خویش باشد. لذا هر تلاشی در این زمینه اگر در سمت درست و عملی آن انجام شود ستودنی است و در غیر این صورت کوششی است بی ثمر و وسه ای است بر ابروی کور.

آقای پرویز نویدی از رهبران سازمان فداییان خلق ایران در مصاحبه ای با رادیو اینترنتی رسانه وابسته به سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت ۱۹ بهمن سالروز تولد جنبش فدایی مطالبی را نیز در باره حزب توده ایران عنوان نموده اند که نگارنده این سطور معتقد است با واقعیتهای تاریخی مطابقت نداشته و چنین اظهاراتی در خوشبینانه ترین شکل آن نشانه بی اطلاعی نامبرده می باشد. ایشان در پاسخ به این سوال که:

"میدانید که یکی از موجبات ذهنی ۱۹ بهمن را بی توجهی سازمانهای سیاسی وقت و بطور خاص حزب توده ایران به روحیات زمان و الزامات آن دانستند. از طرف دیگر ۱۹ بهمن از انتقاد بری نبوده. فکر می کنید وظیفه سازمانهای سیاسی موجود برای جلوگیری از ابعاد انحرافی ۱۹ بهمن ولو که تکرار آن بصورت یک جنبش منتفی باشد کدامها هستند؟"

می فرمایند:

"بی توجهی حزب توده که اصلا نمی شود گفت. در حقیقت سیاست حزب توده در آن دوره خط مشی تسلیم طلبی بوده و در این دوره این حزب نسبت به شرایط ایران تحلیلی آرایه نمی دهد که از آن نتیجه بگیرد که چه باید کرد و چه شکلی از مبارزه را باید به کار بست. در حقیقت خط مشی حزب توده بازتاب سیاست خارجی حزب کمونیست شوروی است. یعنی زمانی که حزب کمونیست شوروی با ایران مناسباتش بهتر می شود حزب توده ایران فتنه ها را پایین می کشد و بیشتر در جهت اینکه بایستی این اقدامات اینطوری بیشتر شود. با شرق روابط برقرار شود. این کمک می کند به زیرسازی جامعه و از این داستانها.

زمانیکه بین این دو، یعنی بین حکومت سلطنت و شوروی مناسبات سرد می شد، حزب توده

هم شروع می کرد به یک مقدار تبلیغات علیه رژیم سلطنت. بنا بر این یک چنین خط مشی ای اساسا و با توجه به روندی هم که ان موقع گفتم حکومت شاه داشت که با درآمدهایی هم که داشت هم با شوروی معامله می کرد و هم با امریکا که اصلا دیگه کامل در اختیارش بود. روند در جهت تسلیم طلبی و به نوعی تأیید اقدامات حکومت بود. بنا بر این در جامعه یک نوع تسلیم طلبی بوجود آمده بود و ان مشی شکست خورده هم بی اعتمادی را در مردم بوجود آورده بود."

نگارنده سطور زیر یکی از هواداران حزب توده ایران بوده و در حد بضاعت علمی خویش سعی در ارایه پاسخ و اظهار نظر در این زمینه می نماید. روشن است که ارگانهای رهبری حزب در صورت صلاحدید به اظهارات آقای نویدی پاسخ خواهند داد.
در عبارات فوق آقای نویدی سه ادعا را به قرار زیر مطرح کرده اند:

۱- تسلیم طلبی در برابر رژیم شاهنشاهی

۲- فقدان تحلیل و مشی مناسب سیاسی در برابر رژیم شاه

۳- سیاست حزب توده ایران بازتاب سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ان دوران

در مورد ادعای اول ایشان:

با کمال تأسف آقای نویدی در این مورد دلایل و مستنداتی ارایه نمی نمایند. خوشبختانه جامعه امروز ایران پس از گذار از تجارب بسیار به این دستاورد ارزشمند رسیده است که مبنای قضاوت خود را بر پایه اسناد و شواهد قابل اتکا و مورد اعتماد قرار دهد. لازمه اظهار نظر متقن در مورد مواضع و سیاستهای هر سازمانی مراجعه به اسناد و شواهد رسمی منتشره توسط ان سازمان می باشد.

در بررسی این موضوع این جانب به تعدادی از مجله های دنیا - ارگان تیوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران که امکان دسترسی به آنها برای نگارنده موجود بوده و از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۶ انتشار یافته مراجعه و نمونه هایی از مواضع سیاسی این حزب را در برابر رژیم کودتا به ترتیب تاریخی ارایه می نماید:

در مقاله "مبنای علمی شعار جبهه واحد نیروهای ملی و دمکراتیک بمثابه خط مشی اساسی حزب توده ایران" منتشره در دنیا - شماره دوم - تیر ماه ۱۳۳۹ چنین می خوانیم:

"چنانچه دیدیم تشکیل جبهه واحد نیروهای ملی و دمکراتیک خود پروسه بغرنج و طولانی است و تحقق ان تنها مربوط به اراده و عمل حزب توده ایران نیست. در وضع کنونی کشور ما فوریتزین هدف مبارزه عبارت از خاتمه دادن به رژیم کودتا و استقرار حکومت ملی در ایران است."

دینا - شماره دوم - تیر ماه ۱۳۳۹

و در همین شماره، در مقاله "شاهنشاهی یا جمهوری" چنین می خوانیم:

"اما مردم ایران در جهتی دیگر، در جهت تکمیل انقلاب ایران (مشروطه) پیکار کرده و می کنند. برنامه حزب توده ایران که برای این مرحله از انقلاب ایران ایجاد جمهوری دمکراتیک را هدف قرار داده مظهر این خواست مردم ایران است. وظیفه عمده و اصلی جمهوری دمکراتیک عبارتست از استقرار ازادیهای دمکراتیک، محو آثار عقب ماندگی فیودالی و کندن ریشه استعمار از کشور."

مجله دنیا- شماره دوم - تیر ماه ۱۳۳۹

رفیق احسان طبری در مقاله ای تحت عنوان "شاه چه می خواهد و ما چه می خواهیم" که در مجله دنیا شماره سوم سال ۱۳۴۲ انتشار یافته از جمله می نویسد:

"حزب ما در مقابل سیاست "تثبیت ارتجاعی" شاه، سیاست تحول انقلابی را مطرح می کند. محتوی این سخن آنست که باید بساط رژیم کودتا و سلطنت مستبد محمد رضا شاه برچیده شود و یک حکومت ملی و دمکراتیک زمام امور را بدست گیرد و قدرت حاکمه از دست دشمنان خلق بدست خلق منتقل گردد، نظام اجتماعی کنونی از بیخ و بن دگرگون شود".
دنیا - شماره سوم - پاییز سال ۱۳۴۲

در برنامه منتشره حزب که در سال ۱۳۴۳ منتشر گردیده چنین می خوانیم:
"درموقعیت کنونی وظایف عمده ای که در برابر افراد مشتاق به گذر انقلابی ایران قرار دارد، سرنگون ساختن سلطنت پوسیده، نابود کردن ماشین ارتجاعی دولتی، از میان بردن سرمایه داران و زمین داران بزرگ و انتقال قدرت از این طبقات به طبقات میهن پرست و دمکراتیک - مثل کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری (پیشه وران، مغازه داران و صنعت گران)، روشنفکران میهن پرست و مترقی و قشر بورژوازی ملی است. کوتاه سخن اینکه، نخستین هدف و وظیفه برقراری یک جمهوری دمکراتیک ملی است".
برنامه حزب توده ایران - سال ۱۳۴۳، ص ۲۶
و همچنین در گزارش بوری کمیته مرکزی به پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران چنین می خوانیم:

"مهمترین نتایجی که از بسط مبارزات اخیر بدست آمده به قرار زیر است:
1- قشربهای تازه ای عملاً وارد میدان مبارزه شده اند و اپوزیسیون علیه رژیم بمراتب وسیعتر از سابق شده است.
2- برانداختن رژیم کودتا و سلطنت مطلقه بصورت شعار عمومی کلیه نیروهای اپوزیسیون ملی و دمکراتیک در آمده است.

دنیا - شماره چهارم - زمستان ۱۳۴۳
رفیق فقید داوود نوری در مقاله "برخی از مسایل ایدئولوژیک مربوط به اپوزیسیون مترقی ایران" که در مجله دنیا - سال ۶ - شماره دوم - سال ۱۳۴۴ منتشر گردیده چنین می نویسد:
"حزب توده ایران معتقد است که تشکیل جبهه متحدی مرکب از تمام احزاب و گروههای مترقی و ضد استعماری، نخستین قدم مهم در راه پایان دادن به رژیم استبدادی کنونی ایران است..."

دنیا - شماره دوم - تابستان ۱۳۴۲
زنده یاد رفیق احسان طبری در مقاله "برخی مسایل مربوط به انقلاب ملی و دمکراتیک" که در مجله دنیا - سال ۱۳۴۵ انتشار یافته از جمله می نویسد: "امروز مترقی ترین و آگاه ترین افراد ایرانی تردیدی ندارند که برای رستاخیز و نوسازی بنیادی کشور یک انقلاب اجتماعی ضرور است، انقلابی که بتواند چهره سنتی جامعه ما را دگرگون سازد، اختلاف روزافزونس را در زمینه اقتصاد و فرهنگ با جوامع پیشرفته از میان ببرد، انرا در جاده تکامل سالم، منظم و سریع بيفکند. رژیم موجود مدعی است که معضلات را حل کرده است ولی این یأوه ای بیش نیست.

ایران فاقد استقلال سیاسی و اقتصادی است، محروم از دمکراسی سیاسی و اقتصادی است، فقیر، عقب مانده، بیمار و جاهل است. با این اهنگ که پیش می رود، با این روال که می گردد، دمبدم بیشتر از کاروان مدنیت جهانی واپس می ماند. این حقیقتی است که پدیده های روزمره پیکره ها و واقعیات مبرهن می کنند، محلی برای سفسطه نیست".

دنیا - دوره دوم - سال هفتم - شماره دوم تابستان ۱۳۴۵
در اسناد پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی که در مجله دنیا - شماره دوم - تابستان ۴۷ منتشر

گردیده چنین می خوانیم:

"مرحله انقلاب ایران کماکان مرحله ملی و دمکراتیک است و نیروهای اساسی محرکه آن اتحاد کارگر و دهقان در شرایط کنونی این انقلاب و در عین حال بیش از پیش دارای محتوی مبارزه با سرمایه داران بزرگ و مبارزه با راه رشد سرمایه داری می شود. شکل عمده سازمانی خلق در این مرحله انقلاب جبهه وسیع ضد امپریالیستی و دمکراتیک است که باید از پرولتاریا تا سرمایه داری ضد امپریالیستی را برای هدفهای انقلاب متحد سازد".
دنیا - شماره دوم - تابستان ۴۷

همچنین رفیق احسان طبری در مقاله ای تحت عنوان "در باره برخی دعاوی ایدئولوژیک سخنگویان هیئت حاکمه" که در مجله دنیا سال سیزدهم - شماره یک - سال ۱۳۵۱ منتشر گردیده می نویسد:

"حزب توده ایران هرگز فکر نمی کند که برای آنکه انقلاب اجتماعی ایران تحقق یابد شرط آن عقب ماندگی ایران و مردم است. انقلاب اجتماعی ایران برای حل یک سلسله معضلات درجه اول کشورمانند تامین استقلال پیگیر سیاسی و اقتصادی، تامین دمکراسی، تامین رفاه زحمتکشان، رهایی جامعه از ستم طبقاتی، ملی و جنسی ضرور است.

تا زمانیکه این معضلات اساسی جامعه حل نشده باقی مانده است انقلاب اجتماعی مسلما دارای محملهای لازم است و دیگر احتیاج به آن نیست که مردم از شدت فقر و فاقه بفرق تحول بیا فتند. ما اطمینان داریم که علی رغم برخی اقدامات ناقص و نیم بندی که رژیم در چهارچوب سرمایه داری می کند قادر نیست معضلات جامعه ما را در چارچوب مقتضیات و ضرورتهای رشد جامعه معاصر حل کند و نتوانسته است درجه نیازمندی و مسکنت توده های میلیونی بکاهد. زیرا حاضر نیست از چارچوب رشد سرمایه داری خارج شود و حاضر نیست راه مبارزه واقعی و پیگیر با امپریالیسم را در پیش گیرد.

لذا ابا دغدغه ای نداریم که زمینه انقلاب اجتماعی از بین رفته است و ابتکار برای ابد به دست پاسداران "انقلاب سفید" افتاده است. آینده صحت این مطالب را نشان خواهد داد و لاف و گزافهای امروزی را به مطالبی بعد اعلی مضحک بدل خواهد ساخت".
دنیا - شماره یک - سال ۱۳۵۱

در مقاله "طرح برنامه نوین و پایه های علمی خط مشی حزب توده ایران" منتشره در مجله دنیا - شماره اول - سال ۱۳۵۲ (به قلم دبیر اول وقت حزب توده ایران زنده یاد "ایرج اسکندری" راه توده) چنین می خوانیم:

"کشور ما هنوز در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک است و آنچه اکنون بطور عمده در برابر مردم ایران مطرح است، رهایی مردم ایران از قید سرمایه غارتگر امپریالیستی و عمال آن و نیل به حاکمیت خلق و حقوق و آزادیهای دمکراتیک و اجرای اصلاحات بنیادی دمکراتیک است.

به دیگر سخن شرط لازم تحقق انقلاب ایران در مرحله کنونی یعنی مرحله ملی و دمکراتیک عبارت است از پایان دادن به حاکمیت سرمایه داران و زمینداران بزرگ و انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی به دست طبقات و قشرهای ملی و دمکراتیک یعنی کارگران، دهقانان، زحمتکشان شهری که قشر مهمی از روشنفکران و کارمندان را در بر می گیرد، خورده بورژوازی و قشرهای مترقی و ملی بورژوازی و محتوای آن عبارتست از کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور، تامین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران، برچیدن بقایای نظامات ماقبل سرمایه داری، دمکراتیک کردن حیات سیاسی و اقتصادی کشور یعنی استقرار حکومت انقلابی ملی و دمکراتیک".

دنیا - سال چهاردهم - شماره اول، ۱۳۵۲

در مقاله "وظایف عملی مبارزان توده ای در مرحله کنونی (در باره انقلاب ایران و مبرمترین وظیفه جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران)" به قلم رفیق فقید نورالدین کیانوری منتشره در دنیا - شماره هفتم - مهرماه ۱۳۵۵ چنین آمده است: "تا هنگامیکه رژیم سیاه استبداد محمد رضا شاه در ایران فرمانروایی می کند، مهمترین و نزدیکترین امواج سیاسی همه زحمتکشان و سایر نیروهای میهن پرست و ازادخواه و کلیه افراد و عناصری که با انگیزه های گوناگون با استبداد سیاه کنونی مخالفت دارند، برچیدن و بر انداختن این استبداد سیاه است".

دنیا - شماره هفتم - مهرماه ۱۳۵۵

همچنین در مقاله "فضای سیاسی کشور ما در ماههای اخیر" به قلم همین رفیق منتشره در دنیا - شماره هفتم - مهر ماه ۱۳۵۶ چنین می خوانیم: "همانطور که کمیته مرکزی حزب توده ایران همیشه در نشریات خود، در فراخوانها و پیامهای خود به گروههای سیاسی دیگر همواره و بطور پیگیر یادآوری و پیشنهاد کرده است تنها راه پیروزی در کوتاهترین مدت علیه رژیم استبداد محمد رضا شاه اتحاد عملی همه نیروهای ضد رژیم صرف نظر از اختلافات سیاسی و ایدیولوژییشان است، اتحادی که هدف اصلی اش بر انداختن رژیم استبداد کنونی به سود استقرار دمکراسی و نه نوعی سازش دم بریده باشد. باید مبارزه را متوجه این هدف اساسی ساخت و در این راه از هرگونه امکان عملی و انجا که امکانات فعالیت علنی اجازه ندهد از امکانات فعالیت مخفی برای افشاگری، تجهیز و متشکل ساختن نیروهای مبارز ضد رژیم بهره برداری کرد. باید به مردم با راستی نشان داد که پایه اساسی همه بد بختیهای کنونی استبداد محمد رضا شاه است".

نمونه های یاد شده که دوره زمانی ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۶ را در بر می گیرد تنها بخش کوچکی است از انبوه اسناد منتشره توسط حزب توده ایران در برخورد با رژیم کودتا. حتی این نمونه های معدود نشان دهنده موضع سازش ناپذیر این حزب و اعتقاد راسخ به تحول انقلابی در جامعه و سرنگونی رژیم خودکامه و وابسته به امپریالیسم امریکا می باشد. اگر بنیانگذاران و اعضا اولیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به دلیل فضای خفقان و عدم امکان دسترسی به اسناد و مواضع حزب توده ایران دارای پیشداوریهای غیر عادلانه ای در این مورد بوده اند، امروز بعد از گذشت سی و شش سال از آن زمان و امکان دسترسی به انبوهی از اسناد و مدارک، اظهارات آقای نویدی مبنی بر تسلیم طلبی حزب توده ایران در برابر رژیم سلطنتی بر پایه کدام دلایل و بررسی علمی و تاریخی قرار دارد؟

اما ادعای دوم ایشان مبنی بر "فقدان تحلیل و مشی مناسب سیاسی در برابر رژیم شاه" می پردازیم. ایشان می فرمایند: "و در این دوره این حزب نسبت به شرایط ایران تحلیلی آرایه نمی دهد که از آن نتیجه بگیرد که چه باید کرد و چه شکلی از مبارزه را باید به کار بست". ادعای آقای نویدی در این قسمت دارای دو وجه زیر است:

الف - فقدان تحلیل سیاسی و اجتماعی

ب - فقدان خط مشی مبارزاتی

الف - فقدان تحلیل سیاسی و اجتماعی

می توان ادعا کرد که حزب توده ایران در مقایسه با سایر احزاب و سازمانهای سیاسی ایران دارای مجموعه اسناد مکتوب و مدون قابل رجوعی است. برای بررسی خط مشی و مواضع این حزب، حتی پس از گذشت چندین دهه، می توان به این اسناد مراجعه نمود و آن مواضع را مورد ارزیابی قرار داد. بالاترین مراجع تصمیم گیری، مطابق اساسنامه این حزب، کنگره ها، کنفرانسها و پلنومهای کمیته مرکزی آن بوده و برای اطلاع از مواضع حزب توده ایران

در هر دوره ای می توان به اسناد مصوبه این ارگانها مراجعه نمود. در میان نشستهای بین کنگره ها، کنفرانسها و پلنوم ها، مقالات مندرج در مجله دنیا - نشریه تیوریک و سیاسی کمیته مرکزی و ماهنامه مردم نمایانگر خط مشی و سیاستهای جاری حزب در آن دوران می باشد.

نگاه حزب توده ایران به جهان پیرامونی متأثر از جهان بینی فلسفی خویش و کاربست این جهان بینی در بررسی مسایل ایران و جهان است. این بررسی تنها محدود به تحلیل سیاسی مسایل ایران و جهان نبوده و حیطة گسترده ای را در بر می گیرد.

نگاهی مختصر به مقالات دنیا - نشریه تیوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران در دوران مورد اشاره آقای نویدی نشانگر دامنه وسیعی از قلمروهای گوناگون سیاسی، اجتماعی، فلسفی، تاریخی، هنری و ادبی است که این حزب سعی در بررسی، پژوهش و اظهار نظر در آنها را داشته است. به نظر می رسد که اظهار نظر ایشان ناظر بر تحلیل سیاسی و برنامہ ای حزب توده ایران در این دوران است و از این رو این مقاله کوشش به بررسی این وجه از مواضع و نظرات حزب را خواهد داشت.

در دوران بیست و پنج ساله پس از کودتای ۲۸ مرداد تا استانه انقلاب بهمن حزب توده ایران سیزده پلنوم (پلنوم چهارم تا شانزدهم) را برگزار نموده است که اسناد مصوبه آنان بیانگر خط مشی سیاسی و سازمانی این حزب می باشد. در این اسناد مواضع حزب در مسایل گریه ایران و جهان در آن مقطع مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته و چهارچوب ها و خطوط راهنمای سیاست حزب در هر کدام از این اسناد تدوین شده است. اولین پلنوم کمیته مرکزی این حزب پس از کودتای ۲۸ مرداد پلنوم چهارم (وسیع) است که در تیر ماه ۱۳۳۶ تشکیل، و در آن تحلیل جامعی از اوضاع ایران و جهان و بررسی مسایل مربوط به کودتا به چشم می خورد. در قطعنامه این پلنوم در باره مرحله انقلاب ایران تحلیل زیر را می خوانیم:

"انقلاب ایران در مرحله بورژوا-دمکراتیک طراز نوین یعنی در مرحله انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فیودالی است و در دوران کنونی لبه تیز آن متوجه امپریالیسم است. امپریالیسم - فیودالیسم و بورژوازی کمپرادور و بر راس آنها دربار، دشمنان انقلاب و مانع اساسی رشد و پیروزی اند. کارگران، دهقانان، روشنفکران، خورده بورژوازی و بورژوازی ملی قوای محرکه و پایگاه اجتماعی انقلاب را تشکیل می دهند".

اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم چهارم - صفحه ۳۸۰

و همچنین در توضیح مشخصات بورژوازی ملی ایران چنین می خوانیم:

"بورژوازی ملی ایران به طور عمده از سرمایه داران متوسط و کوچکی تشکیل یافته که در رشته های صنعت - بازرگانی و کشاورزی اشتغال دارند و چون با تولید و مبادلات داخلی ارتباط دارد قهرا طرفدار رشد و توسعه صنایع ملی و بازار داخلی است و بدین سبب از لحاظ منافع با امپریالیسم و قشر کمپرادور و همچنین با فیودالها و مالکین بزرگ در تضاد قرار می گیرد و همین خصوصیت موجب می گردد که وی در مراحل از انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فیودالی در کنار سایر نیروهای انقلابی علیه امپریالیستها و مالکین بزرگ، فنودالها و کمپرادورها واقع شود.

تاریخ نیم قرن اخیر کشور ما نشان می دهد که بورژوازی ملی ایران با وجود ضعف اقتصادی و سیاسی در مبارزات ضد امپریالیستی گذشته مردم ایران شرکت کرده و در پاره ای از نبردهای انقلابی بخصوص در انقلاب مشروطیت - مبارزات سالهای جنگ جهانی اول - انقلاب گیلان و قیامهای اندرابیجان - خراسان نقش موثری داشته است. با وجود این نباید از نظر دور داشت که:

1- بورژوازی ملی ایران یکپارچه نیست و شدت و ضعف وابستگی به مالکیت ارضی و ارتباط با سرمایه های خارجی در تمایلات دمکراتیک و ضد امپریالیستی جناحهای مختلفه آن و درجه سازشکاری گروههای سیاسی نماینده این قشر تاثیر می کند.

2- ضعف اقتصادی بورژوازی ملی ایران و پیوندهایی که او را با امپریالیسم و فیودالیسم وابسته می کند از یک طرف و وحشت وی از توسعه جنبش انقلابی توده های زحمتکش از طرف دیگر موجب ناپیگیری وی در مبارزه علیه امپریالیسم می شود. فشرهای پایین بورژوازی ملی از حیث مبارزه انقلابی به مراتب پیگیر تر از قشرهای فوقانی آن وارد عمل می شود"....

اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم چهارم - صفحه ۳۷۶

و همچنین در زمینه کوشش برای ایجاد یک جبهه متحد ضد استعماری می خوانیم: "تفاق و پراکندگی نیروهای ملی و فقدان یک جبهه واحد ضد استعماری یکی از عمده ترین موجبات شکست و ناکامی هر جنبش ضد امپریالیستی است. تجربه مبارزات گذشته خلقهای ایران این حقیقت را بارها به ثبوت رسانده است. در جریان مبارزه برای ملی کردن صنایع نفت این امر بطور بارزی تایید شد که امپریالیسم و ارتجاع تا چه حد از پراکندگی نیروهای ضد استعماری به نفع خود استفاده نمود. از اینرو کوشش در تدارک زمینه و تشکیل جبهه واحد نیروهای ضد استعمار عمده ترین وظیفه حزب ما در دوره کنونی جنبش ضد استعماری مردم ایران است.

حزب ما باید با تمام نیروی خود بکوشد تا علاوه بر طبقه کارگر و دهقانان که استخوانبندی اصلی جبهه واحد ضد امپریالیستی را تشکیل می دهد و اتحاد آنان تحت رهبری طبقه کارگر شرط اساسی پیروزی است، کلیه طبقات و قشرهای دیگر ضد استعمارکشور ما یعنی خورده بورژوازی، روشنفکران و بورژوازی ملی را در درون این جبهه و تحت شعارهای مشترکی متشکل و متحد نماید"....

اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم چهارم - صفحه ۳۷۸

در اسناد این پلنوم در قسمت مربوط به "سخنی چند در باره اوضاع جهان" و در زمینه تغییر توازن قوا بسود امپریالیسم امریکا در برابر امپریالیستهای انگلیسی و فرانسوی در خاورمیانه چنین می خوانیم:

"...بر اثر شکست امپریالیستهای انگلیس و فرانسه در مصر در تناسب قوا در خاورمیانه و خاور نزدیک تغییر عمده ای روی داد. گروه انگلیس و فرانسه بیش از پیش از صحنه خاورمیانه و خاور نزدیک دور می شوند. آیین ایزنهاور تطبیق سیاست خارجی استعمارطلبانه امریکا با شرایط جدیدی است که پس از شکست انگلیس و فرانسه و اسرائیل در خاورمیانه پیش آمده است. هدف عمده آیین ایزنهاور اشغال نظامی خاورمیانه و خاور نزدیک و بسط نفوذ خود در این ناحیه است. چرا امریکا اینهمه به خاورمیانه و خاور نزدیک اهمیت می گذارد؟ زیرا خاورمیانه و خاور نزدیک علاوه بر موقعیت سوق الجیشی دو سوم منابع نفتی جهان سرمایه داری را در بر دارد. هدف دیگر آیین ایزنهاور گرفتن جای انگلیس و فرانسه در خاورمیانه و خاور نزدیک است".

کتاب اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم چهارم - صفحه ۳۶۵

پلنوم پنجم حزب توده ایران در اسفند ماه سال ۱۳۳۶ یعنی تنها هفت ماه پس از پلنوم چهارم برگزار شد. در اطلاعیه هیئت اجراییه کمیته مرکزی در رابطه با برگزاری این پلنوم می خوانیم:

"این پلنوم وظایفی را که پلنوم چهارم (پلنوم وسیع) در اثر تراکم برنامه و تنگی وقت خود نتوانست انجام دهد یعنی مسیله تعیین خط مشی استراتژیک و تاکتیکی حزب در مرحله کنونی

و مسیله تعیین خط مشی حزب در امر تامین وحدت سازمانی و رهبری طبقه کارگر را در ایران مورد بررسی و بحث قرار داد و به نتایج مشخص رسید."

اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم پنجم - صفحات ۳۸۷ - ۳۸۸

همین سند وظایف مبرمی را که در مقابل حزب و مردم ایران قرار دارد به شرح زیر اعلام می نماید:

1- "مبارزه برای رهایی میهن ما از یوغ بردگی و اسارت استعمارطلبان امریکا و انگلیس یعنی مبارزه در راه تامین استقلال و حاکمیت ملی ایران

2- دفاع از صلح و مبارزه به منظور برکنار کردن کشور ما از توطیه های تجاوزکارانه جنگ طلبانه امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی

3- مبارزه برای تامین از ادیهای دمکراتیک مردم ایران

4- مبارزه در راه اعتلا و ترقی اقتصادی و اجتماعی میهن ما

5- مبارزه در راه بهبود وضع زندگی توده های مردم و دفاع مستمر از حقوق زحمتکشان در میان این وظایف پنج گانه اساسی فوق وظیفه مبارزه با استعمار وظیفه عمده است.

6- پلنوم موافقت دارد که برای تحقق بخشیدن به شعارهای اساسی مبارزه مردم ایران فوری ترین و مهم ترین مسایلی که اکنون در مقابل ما قرار دارند و می توانند به منزله شعارهای مشخص و عملی روز تلقی گردند عبارتند از:

1- مبارزه برای برچیدن بساط کنسرسیوم بین المللی نفت و احیا قانون ملی شدن صنایع نفت و اجرای کامل مقررات آن.

2- مبارزه برای خروج دولت ایران از پیمان استعماری و تجاوزکارانه بغداد و فسخ قراردادهای نظامی با دولتهای امپریالیستی و وادار کردن دولت به اتخاذ سیاستهای بی طرفانه.

3- مبارزه در راه تامین آزادی انتخابات و آزادی های سندیکایی طبق روح قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر .

4- حمایت از صنایع ملی و مبارزه در راه بسط تولید داخلی.

5- مبارزه برای اصلاح و اجرای قانون کار و تعیین حد اقل دستمزد بر اساس احتیاجات واقعی کارگران و استقرار اشل متحرک نسبت به هزینه زندگی.

6- مبارزه در راه تصویب قانون تقسیم اراضی مالکین بزرگ و واگذاری مجانی آن به دهقانان بی زمین و کم زمین و مبارزه در راه کسر ۲۵ الی ۵۰٪ از بهره مالکانه به سود دهقانان تا هنگامی که قانون تقسیم اراضی به تصویب نرسیده است.

7- پلنوم موافقت دارد که تحقق شعارهای اساسی مردم ایران بدون تشکیل دولتی متکی به طبقات و قشرهای ضد استعماری و استقلال طلب جامعه امکانپذیر نیست و این هدفی است که از راه اتحاد قوای ملی و دمکراتیک کشور قابل وصول است ولی تا هنگامیکه چنین دولتی تشکیل نیافته است حزب ما از هر دولتی که اجرای تمام یا قسمتی از شعارهای عملی و مشخص فوق را تعهد کند و حاضر شود صادقانه در راه تحقق آن بکوشد پشتیبانی خواهد نمود .

8- حزب توده ایران اعلام می کند که بر اساس هر یک از شعارها یا مجموع آن حاضر است با کلیه احزاب و جمعیت های سیاسی به منظور توحید مساعی و عمل مشترک آن ها توافق نماید.

9- شیوه اساسی فعالیت ما برای تحقق بخشیدن به شعارهای فوق و تشکیل جبهه واحد ضد استعماری عبارت است از اقدام مستمر در راه آگاه کردن و متشکل کردن و بسیج توده ها. تنها یک مبارزه اقناعی - توضیحی - تشکیلاتی - پرنرمش همراه با یک سیاست صریح و صادقانه و خالی از هرگونه شتابزدگی و تمایلات سکناریستی و اپورتونیستی می تواند به تدریج آرزوی ایجاد یک اتحاد عظیم ملی را به واقعیت نزدیک سازد. مبرم ترین اقدام حزب

ما در این راه باید معطوف تامین وحدت طبقه کارگر گردد و حلقه های ضروری این امر عبارت است از تحکیم وحدت صفوف حزب طبقه کارگر یعنی حزب توده ایران، تامین وحدت رهبری و سازمانی طبقه کارگر در ایران و احیا فعالیت‌های سندیکایی". اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم پنجم - صفحات ۳۸۷ - ۳۸۸

پلنوم هفتم کمیته مرکزی در تیر ماه سال ۱۳۳۹ تشکیل گردید. در قطعنامه این پلنوم تحت عنوان "در باره خط مشی سیاسی و وظایف مبرم ما" تحلیل جامعی در باره وضع کشور در آن دوران ارائه و مختصات عمومی رژیم کودتا، سیاست داخلی، خارجی و اقتصادی این حکومت، تناسب نیروها، تضادهای درونی این رژیم و همچنین وضع جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم و راه برانداختن رژیم کودتا مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج زیر جمع بندی گردیده است:

1- "در میهن ما رژیم کودتا یعنی دیکتاتوری مرتجع ترین عناصر طبقات حاکم ایران - ملاکین بزرگ و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم - بر قرار است. این رژیم که با دخالت مستقیم امپریالیستهای امریکا و انگلیس و بر اثر کودتای ضد ملی مرداد ماه سال ۱۳۳۲ روی کار آمده رژیمی است غاصب، استبدادی، دست نشاندۀ مستقیم امپریالیستها و متکی به ترور.

شاه و دربارش مرکز ثقل رژیم کودتا بوده و سرنگون کردن رژیم کودتا بدون برچیدن بساط سلطنت محمد رضا شاه مقدور نیست.

2- رژیم مطلقه شاه طی هفت سال تسلط جابرانه خود لطمات بزرگی به استقلال ملی و آزادی و مصالح اقتصادی و اجتماعی مردم کشور ما وارد آورده است. نقض علنی قانون ملی شدن صنایع نفت و انعقاد قرارداد با کنسرسیوم بین المللی نفت و انحصارهای دیگر نفتی، بازگذاشتن درهای کشور به روی سرمایه ها و کالاهای خارجی، لغو عملی قانون انحصار تجارت خارجی، قبول قرضه های متعدد استعماری با ربح سنگین و شرایط کمر شکن اقتصادی و سیاسی، تحمیل مخارج هنگفت نظامی بر بودجه دولتی، نمونه های بارزی از سیاست ضد ملی این رژیم است. این سیاست در عین تشدید وابستگی اقتصادی میهن ما به دولتهای امپریالیستی و به ویژه امریکا و انگلستان سطح زندگی مردم را بطور مداوم تنزل می دهد، استثمار توده های زحمتکش کشور ما را شدید تر کرده و طبقات متوسط اجتماع و سرمایه داری ملی را به سوی ورشکستگی سوق می دهد.

رژیم کودتا با دفاع از موقعیت ملاکان بزرگ و سیستم اسارتبار مزارعه، سطح زندگی دهقانان را در حد فوق العاده نازلی نگاه داشته و رشد اقتصادی میهن ما را ترمز کرده است. واقعیات نشان می دهد که تظاهرات رژیم کودتا در باره باصطلاح "اصلاح ارضی" دارای هیچگونه محتوای جدی نیست و بطور کلی در کادر حفظ و تحکیم منافع ملاکان است....

3- بدینطریق پایگاه اجتماعی رژیم کودتا روزبروز تنگتر و شاه و دارو دسته او منفردتر می شوند و توده های هر چه وسیعتری از مردم ایران به درک این حقیقت نزدیکتر می شوند که تنها راه نجات مردم ایران و تنها راه محو سیاست ضد ملی و ضد ارتجاعی رژیم کودتا و آثار شوم آن سرنگون ساختن رژیم کودتا و برچیدن بساط سلطنت محمد رضا شاه است.

4- تحلیل اوضاع ایران نشان می دهد که دوران فروکش نهضت رهایی بخش کشور ما پایان می یابد و دوران جدیدی از اعتلای جنبش آغاز می گردد. تضادهای داخلی رژیم کودتا رشد کرده و این رژیم را در استانه سقوط قرار داده است. عمق و شدت عدم رضایت مردم نوعی حالت انفجاری در میهن ما بوجود آورده است.

5- منافع مردم ایران از کارگران و دهقانان گرفته تا طبقات متوسط و روشنفکران و بورژوازی ملی و همه عناصر میهن پرست و آزادیخواه در برانداختن رژیم جابرو ضد ملی

شاه به هم می پیوندند. بر انداختن رژیم ضد ملی شاه و تشکیل یک دولت ملی می تواند شعار وحدت این نیروها باشد.

بنابراین جبهه واحد وسیعی از کلیه عناصر میهن پرست و آزادیخواه جامعه ایران برای برانداختن رژیم کودتا یک ضرورت تاریخی است و از واقعیت عینی جامعه کنونی ایران سرچشمه می گیرد.

6- با توجه به اینکه رژیم ترور شاه تمام راه های قانونی را به روی اعتراضات مردم بسته است، تنها با بسیج توده ها و عمل انقلابی مردم ایران می توان این رژیم منفور را سرنگون ساخت

"..... اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم پنجم - صفحات ۳۹۸ - ۳۹۶

پلنوم هشتم کمیته مرکزی که در تاریخ مرداد ماه سال ۱۳۳۹ و پس از کنفرانس وحدت تشکیل گردید اولین طرح برنامه حزب را پس از کودتای ۲۸ مرداد منتشر نمود. در مقدمه این برنامه چنین می خوانیم:

... "میهن باستانی ما ایران سرزمینی است پهناور دارای منابع طبیعی فراوان، خاک حاصلخیز، نفوس پر استعداد و زحمتکش، فرهنگ و تمدن کهن. وضع کشور ما و روزگار مردمش علیرغم همه این عوامل مساعد در اثر سلطه شوم استعمار و ارتجاع دست نشانده ان رقت انگیز است.

سطح زندگی، فرهنگ و بهداشت در کشور ما یکی از نازلترین سطح های جهان است. اقتصاد کشور در استانه ورشکستگی است، بار سنگین و تحمل ناپذیر هزینه زندگی هر سال کمرشکن تر می شود. زحمتکشان کشور ما از حقوق عادی بشری محرومند. رژیم پلیسی، زورگویی و خودسری بر کشور حاکم است. آزادیهای دموکراتیک علنا پایمال می گردد. علل اساسی این محرومیتهای اجتماعی و اقتصادی خلقهای میهن ما همانا تسلط اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم امریکا و انگلستان و بقاء مناسبات اربابی - رعیتی است. هدف های اساسی امپریالیسم های امریکایی و انگلیسی که اکنون در ایران تسلط دارند عبارتست از تبدیل کشور ما به بازار فروش کالاهای خویش، تبدیل ایران به عرصه سرمایه گذاری و محل تدارک مواد خام گرانبها مانند نفت، استفاده از نیروی ارزان کار و تبدیل ایران به پایگاه سوق الجیشی.

برای نیل بدین منظور و تامین تسلط اقتصادی و سیاسی خود امپریالیستها مرتجعترین قشرهای جامعه ایران را تقویت می کنند و بوسیله دولتهای دست نشانده خود قراردادهای اسارت اور، قرضه های کمر شکن به مردم ایران تحمیل می نمایند، رایزنهای خود را به دستگاه لشکری و کشوری ما مسلط می کنند، با کشاندن ایران به بلوکهای تجاوزکارانه و با اجرا سیاست تفرقه و تفتین بین خلقهای ایران و دست زدن به انواع تحریک و تهدید عملا سیاست خارجی، داخلی و اقتصادی کشور ما را تحت نظارت خود قرار می دهند.

علیرغم بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و نفوذ آن در ده بقایای فیودالیسم بصورت رژیم ارباب - رعیتی در کشور ما وجود دارد و تسلط این رژیم موجب فقر دهقانان و تنگ شدن بازار ملی، سقوط قدرت خرید اهالی، کمبود مواد خام فلاحتی و در نتیجه کندی کامل رشد صنعتی و ترقی اقتصادی و اجتماعی کشور ماست. تسلط امپریالیسم، بقایای مناسبات اربابی - رعیتی سبب می شود که ایران علی رغم استقلال ظاهری بصورت کشوری عقب مانده، نیمه مستعمره و نیمه فیودال باقی بماند.

به همین جهت از میان مهمترین تضادهای جامعه کنونی ایران یعنی تضاد بین خلق و امپریالیسم، تضاد بین خلق و فیودالیسم، تضاد بین سرمایه و کار عمده ترین ان تضادی است که خلقهای ایران را در مقابل امپریالیسم و عمال ان و رژیم اربابی - رعیتی قرار می دهد.

حل این تضاد عمده در مرحله کنونی مضمون اساسی انقلاب ایران یعنی انقلاب دمکراتیک نوین را تشکیل می دهد.

مظهر واقعی تسلط امپریالیسم و رژیم اربابی - رعیتی در کشور ما همانا حکومت ارتجاعی ایران است که از ملاکان بزرگ و سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم (قشر کمپرادور بورژوازی ایران) تشکیل می شود و شاه بر راس آن قرار دارد. بنابراین وظیفه اساسی انقلاب در مرحله کنونی عبارتست از انتقال قدرت حاکمه از دست ملاکان بزرگ و سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم بدست نیروهای متحد استقلال طلب، میهن پرست و آزادیخواه یعنی کارگران، دهقانان، خورده بورژوازی (پیشه وران و کسبه)، روشنفکران، کارمندان و سرمایه داران ملی (اعم از بازرگانان و صاحبان صنایع).

اساسی ترین وسیله این مبارزه جبهه واحد کلیه قوای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی جامعه ایران است که اتحاد کارگران و دهقانان استخوانبندی آنرا تشکیل می دهد

"... اسناد و دیدگاهها - طرح برنامه و اساسنامه حزب توده ایران - صفحات ۴۱۵ - ۴۱۶"

این برنامه طرح جامعی را برای اصلاحات سیاسی مشتمل بر سازمان دولتی و حاکمیت ملی، آزادیهای دمکراتیک و مسیله ملی، تحول اقتصادی، اصلاح ارضی، اصلاحات اجتماعی، رفاه و ترقی عمومی ارایه می نماید. در این برنامه در مورد مسیله ملی چنین می خوانیم:

"ایران کشوری است کثیرالمله، رشته های مختلفی خلقهای ساکن ایران را به هم پیوند می دهد. این خلقها طی قرون متمادی تاریخ با یکدیگر سرنوشت مشترکی داشته اند. در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی و برانزده ایران با هم همکاری کرده اند و در راه استقلال و آزادی متحدا و دوش به دوش هم فداکاریهای بی شماری نموده اند. منافع اساسی خلقهای ایران در مبارزه علیه استعمار و ارتجاع با هم در می آمیزد.

ولی در نتیجه وجود محرومیتهای ملی همه این خلقها از حقوق حقه خود برخوردار نیستند. این محرومیتهای ملی مانع تامین اتحاد عمیق و واقعی بین خلقها و مانعی در راه ترقی سیاسی - اقتصادی و فرهنگی همه جانبه کشور شده است. حزب توده ایران طرفدار اتحاد خلقهای ایران بر اساس موافقت داوطلبانه آنها است و معتقد است که برای ایجاد یک اتحاد واقعی و معنوی بین خلقهای ایران باید ستم ملی ریشه کن شود "...."

اسناد و دیدگاهها - طرح برنامه و اساسنامه حزب توده ایران - صفحه ۴۱۹

تجزیه و تحلیلهای حزب توده ایران تنها شامل کلی ترین مراحل و خطوط رشد جامعه ایران نبوده بلکه شامل تجزیه و تحلیل تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ساختاری جامعه ایران نیز می شود. یکی از مهمترین این تغییرات در آن دوران مسیله اصلاحات ارضی است. زنده یاد رفیق احسان طبری در مقاله ای تحت عنوان "ماهیت و هدفهای اصلاحات نیم بند شاه - امپریالیسم" در مجله دنیا چنین می نویسد:

"... رژیم کودتا به این عقب نشینی مجبور شده است. برخلاف دعاوی لاف زنانه شاه که گویا وی از جبر زمان جلوتر است و پیش از آنکه جامعه ابستن ضرورت و مقتضی خاصی شود، وی به آن خواست نهان و مقدر از پیش پاسخ می گوید، باید تصریح کرد که رژیم شاه پس از تعلل ها و تردید ها، پس از مقاومتهای لجوجانه و خونین، به زور و جبر، انهم بر حسب فرمان اربابان امپریالیست به این مقتضیات انهم به حداقل و بشکل مثله شده ای پاسخ می دهد".

اسناد و دیدگاهها - ماهیت و هدفهای اصلاحات نیم بند شاه - امپریالیسم - صفحه ۴۳۸

و همچنین:

... "مضمون اقتصادی تحولی که طی زمان انجام می گیرد عبارت است از جانشین شدن تدریجی مناسبات سرمایه داری و استثمار سرمایه داری در ده بجای مناسبات فیودالی و استثمار فیودالی. در اثر اجرای قانون اصلاح ارضی و متمم آن مالکین فیودال تدریجا به سرمایه داران صاحب زمین مبدل می شوند. البته رژیم سعی خواهد کرد موقعیت اجتماعی مالکین فیودال را که به مثابه طبقه در کار زوال هستند، به مثابه افراد و رجال جداگانه محفوظ نگه دارد و کمک کند تا آنها به سرمایه داران و بانکداران مبدل گردند و بتوانند در هیبت حاکمه ایران نقش و مقام خود را حفظ کنند".

اسناد و دیدگاهها - ماهیت و هدفهای اصلاحات نیم بند شاه - امپریالیسم - صفحه ۴۴۱

رفیق طبری در مورد مضمون این تحولات با صراحت می نویسند:

... "ولی خطای فاحشی است اگر تصور رود این تحول به معنای حل مسئله ارضی در ایران، حل مسئله دهقانی است. هدف مهم اجرا کنندگان اصلاح ارضی حل مسئله ارضی، حل مسئله دهقانی یعنی صاحب زمین کردن کلیه دهقانان در ایران نیست.

بلکه ایجاد یک قشر وسیع دهقان مرفه (کولاک) در ده ایران است که بتواند پایگاه رژیم سلطنتی قرار گیرند. این طبقه هم از جهت عده به مراتب انبوه تر از مالک فیودال اند و هم از جهت پایداری و سرسختی به مراتب از مالک فیودال جاندارتر و استوارترند. شاه، مالک فیودال را با این طبقه نو ظهور در ده تاخت می زند.

این وضع مبدا بروز مصایب و محرومیت‌های تازه ای در ده ایران خواهد شد و به همین جهت باید با نهایت صراحت گفت که حتی در صورت اجرا پیگیر قانون اصلاح ارضی و متمم آن که ما انرا به حق اصلاح نیم بند نام نهاده ایم حل مسئله ارضی، منتها نه به شکل کهنه بلکه به شکل تازه ای کماکان در دستور روز جامعه باقی می ماند و آن هم عبارت است از ضرورت روفتن بقایای نظامی که اکنون در کار زوال است".

اسناد و دیدگاهها - ماهیت و هدفهای اصلاحات نیم بند شاه - امپریالیسم - صفحه ۴۴۲

پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در ۳۰ دیماه ۱۳۴۳ تشکیل گردید. در اسناد این پلنوم نظر رسمی این حزب در باره راه انقلاب ایران در مواد 29، 30 و 31 تزه‌های مصوب این پلنوم چنین می خوانیم:

29- "برای نیل به این خواست‌ها، برای موفقیت در برانداختن رژیم کودتا و استقرار یک حکومت ملی ودمکراتیک از کدام راه باید رفت و چه باید کرد؟ این سوال را خود زندگی با تمام نیرو در مقابل حزب ما، در مقابل کلیه نیروهای تحول طلب مطرح می کند. تردیدی نیست که اگر موازین دمکراسی در ایران مراعات می گردید، یعنی آزادی فعالیت احزاب و اتحادیه‌ها و مطبوعات و انتخابات و تظاهرات واقعا تامین می شد و حکومت قانون جای حکومت مستبده را می گرفت و دست سازمان امنیت و محاکم نظامی کوتاه می شد، مردم ایران می کوشیدند تا مسایل حاد جامعه خویش را از طریق مسالمت امیز حل کنند.

ولی در شرایط کنونی که اثری از کوچکترین آزادی نیست و حکومت دیکتاتوری خون آشامی با شدت قساوت کارانه علیه هر نیروی اپوزیسیون عمل می کند و هر روز بر ضد قشرهای تازه ای از اجتماع دست به اقدام تضيیقی میزند و به اندک فعالیت علیه مقاصد و شیوه‌های خود با تعقیب و حبس و تبعید و شکنجه و اعدام و کشتار جمعی و اردو کشی پاسخ می گوید، امکان حل مسالمت امیز مسایل اجتماعی را خود رژیم بدست خود از میان برده است. به همین جهت است که همه سازمانهای ملی و دمکراتیک که در زیر فشار رژیم مستبد شاه فرصت تنفس ندارند، بیش از پیش به این نتیجه می رسند که بساط رژیم کودتا را باید از

راه قهرامیز برچید. این امر بیش از پیش به نتیجه گیری مشترک سازمان های اپوزیسیون مبدل می گردد.

30- با آنکه حزب ما به این نتیجه می رسد که در شرایط کنونی از بین دو راه تکامل، راه تکامل قهرامیز انقلاب برجستگی بیشتری کسب می کند، بر آن است که در آینده پیدایش امکان دیگر یعنی امکان رشد مسالمت امیز نیز به کلی منتفی نیست. تجارب تاریخ کشور ما (مانند آمدن حکومت مصدق و سقوط قوام) نشان داده است که در شرایط معین تغییر تناسب قوا امکان تحولات مسالمت امیز نیز وجود دارد. لذا عمل حزب ما باید بر اساس وجود دو امکان و عمده بودن تکامل قهرامیز انقلاب در شرایط کنونی مبتنی باشد تا دچار یکجانبگی نادرست و بی دورنما نشود.

31- طبیعی است که تشخیص شکل گذار انقلاب بطور کلی به خودی خود برای اجرای عملی آن کافی نیست. بررسی دقیق شرایط داخلی و خارجی کشور ما، داشتن تدارک کافی، انتخاب صحیح لحظه، انتخاب صحیح شعارهای عمل، یافتن مناسب ترین شکل عمل قهرامیز، مبتنی نکردن عمل تنها بر نیروی اوانگارد و غیره و غیره از شرایط حتمی یک اقدام صحیح، بصیرانه و عاری از ماجراجویی است. در غیر این صورت این عمل ممکن است بجای سود، زیان برساند. این وظیفه رهبری است که با درک عمیق مسیولیت و به نحوی که مصلحت حزب و نهضت را در آن تشخیص می دهد، تدارک لازم را ببیند و عملی کند.

اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم یازدهم - صفحات ۶۰۸ - ۶۰۹

سند مربوط به پلنوم دوازدهم در نشریه دنیا - دوره دوم - سال نهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۴۷ در ۳۳ صفحه منتشر گردیده است. در این سند تحلیل دقیقی از عمده ترین مسایل جهانی، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، از جمله وضعیت طبقه کارگر، اصلاحات ارضی، دعاوی رژیم در باره آزادی زنان، وابستگی سرمایه داری در ایران، ساختار دولت، نفت و کنسرسیوم، محتوای طبقاتی حاکمیت، خصلت ضد دموکراتیک رژیم و سیاست خارجی رژیم شاه مورد بررسی قرار گرفته است. در این سند در زمینه مسایل دهقانی و اصلاحات ارضی رژیم شاه از جمله می خوانیم:

"جریان تحول در روستاهای ایران عبارت از تبدیل مالکین فیودال سابق به زمینداران سرمایه دار است. مالکین فیودال بعنوان طبقه از بین می روند ولی بعنوان زمینداران سرمایه دار به همراه قشر بورژوازی نو خاسته در ده و وزن مخصوص مرکزی را در نظام اجتماعی ایران حفظ خواهند نمود. قشر دهقانان کم زمین و مرفه سابق و دهقانانی که بر اثر اصلاح ارضی صاحب زمین شده اند دایما در معرض تهاجم و رقابت زمینداران سرمایه دار جدید قرار دارند و بقیه ساکنین روستاهای ایران یا به کارگران کشاورزی تبدیل شده و یا بکلی بی پا شده، زندگی روستایی را ترک گفته و در جستجوی لقمه نانی به شهرها سرازیر می گردند".

نشریه دنیا - دوره دوم - سال نهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۴۷ صفحات ۱۱ - ۱۲ و همچنین:

"زندگی نشان می دهد که هیبت حاکمه ایران دشمن دهقانان و حامی و پشتیبان مالکان بوده و هست. اکثریت مالکین به کمک دولت و به عناوین مختلف از اجرای قانون اصلاح ارضی در زمینهای خود جلوگیری کرده اند و قیمتهای زمینهای مالکین که مشمول اجرای قانون اصلاح ارضی شده است تمام و کمال پرداخت شده است. در صورتیکه در بسیاری از کشورهای در حال رشد زمینهای مالکین بزرگ صادره شده و مجانا بین دهقانان تقسیم شده است. بهترین پولی که مالکین ضمن اصلاحات ارضی در کشورهای مشابه ایران به هنگام فروش زمینهای خود گرفته اند در هندوستان است. آنها تنها یکسوم قیمت زمینهای خود را به اقساط

چهل ساله دریافت می دارند و حال آنکه به مالکین ایران تمام قیمت زمین و انهم در اقساط ده ساله پرداخت می شود "...

نشریه دنیا - دوره دوم - سال نهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۴۷ صفحه ۱۲

و در زمینه زندگی و معیشت کارگران چنین می خوانیم:

"رژیم شاه دشمن کارگران است. سندیکاها کارگری ساخت وزارت کار فاقد مضمون کارگری است. فقط بازیچه ای در دست چند کارگر نماست که پادوان وزارت کار و سازمان امنیت هستند.

از اتحادیه های کارگری در تهران جز یک اطاق و یک میز و چند صندلی که برای اتحادیه ها از طرف وزارت کار برای نشان دادن به مهمانان خارجی اجاره شده است چیز دیگری نه دیده و نه شنیده می شود. نام کارگران و صدای آنها فقط در تشریفات و صحنه سازیهای وزارت کار که وزیر آن عنوان بزرگ دبیرکل حزب شه ساخته ایران نوین را نیز دارد دیده و شنیده می شود.

با افزایش دایم التزاید هزینه زندگی از افزایش مزد کارگران هیچ خبری نیست. شبکه جاسوسان سازمان امنیت به تمام کارگاهها و کارخانه های ایران گسترش یافته است. کمترین ابراز وجود از طرف کارگران به عواقب وخیمی که کار و زندگی و سرنوشت آنها و خانواده آنها را به مخاطره می اندازد روبرو می باشد. طبق امار بانک مرکزی ایران قیمت نان و گوشت دو غذای اساسی مردم زحمتکش در آخر سال ۱۳۴۵ نسبت به سال ۱۳۳۸ یعنی در عرض هفت سال به ترتیب ۳۰ و ۶۰ درصد افزایش یافته است.

تشدید استثمار کارگران در کارخانه های خصوصی و دولتی در همه جا به چشم می خورد.... بیکاری به بلای بی درمانی در کشورما تبدیل گردیده است. در کشورما هیچ کمکی به بیکاران داده نمی شود، خود و خانواده های آنها به فقر و مرگ تدریجی محکومند".

نشریه دنیا - دوره دوم - سال نهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۴۷ صفحات ۱۲ - ۱۴

در مورد دعای رژیم در مورد آزادی زنان چنین آمده است:

"... بطور خلاصه باید گفت ادعای رهایی کامل زنان که کرارا از زبان سران رژیم شنیده می شود دروغی بیش نیست. حقوق اقتصادی زنان مراعات نمی شود، میلیونها زن کارگر و دهقان در کارخانه ها و مزارع در برابر زحمت توانفرسا دستمزدی بمراتب کمتر از مرد دریافت می دارند و هیچ قانونی از آنان حمایت نمی کند. در قانون اصلاحات ارضی زنان دهقان حقی در واگذاری نسق زراعتی ندارند و اشکارا حقوقشان پایمال شده است. هنوز طبق قوانین ایران زن نمی تواند به مقتضای ذوق و استعداد خود، حرفه خویش را انتخاب کند، نمی تواند بدون اجازه شوهر مسافرت کند، نکاح منقطع یعنی تشویق فحشا قانونا مجاز است، طبق قانون ریاست خانواده از خصایص مرد است، حداقل سن ازدواج در مورد دختران رعایت نمی شود، حقوق اقتصادی زنان مراعات نمی گردد، در ادارات و موسسات دولتی و غیر دولتی تبعیض بین زن و مرد وجود دارد"...

نشریه دنیا - دوره دوم - سال نهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۴۷ صفحه ۱۵

پلنوم پانزدهم حزب توده ایران که در تیرماه ۱۳۵۴ برگزار گردید از ان جهت شایان اهمیت تاریخی است که آخرین پلنوم قبل از وجود شرایط انقلابی در کشور بوده و تجزیه و تحلیل ارایه شده در اسناد این پلنوم نشان دهنده توانایی نظری حزب در بررسی مسایل کشور و تشخیص برآمد جدیدی در جنبش اجتماعی - سیاسی مردم ایران می باشد. در اسناد این پلنوم چنین میخوانیم:

۱- "سیاست رژیم در جهت درامیزی و همپیوندی (انتگراسیون) اقتصاد کشور ما با سرمایه های انحصاری امپریالیستی بیش از پیش تشدید شده و درآمدهای نفت بطور قابل ملاحظه ای بمتابه وسیله ای برای رخنه دادن سرمایه های غارتگر امپریالیستی در اقتصاد کشور و جوش دادن هرچه بیشتر آن با جهان امپریالیسم و اقتصاد سرمایه داری انحصاری دولتی به کار رفته است.

۲- سیاست ترور و اختناق با شدت و حدت بی سابقه ای بسط یافته و اسلوبهای فاشیستی اشکارا به صورت روش رسمی و عملی حکومت در آمده است. خصلت اصلی این مرحله جدید در سیاست داخلی رژیم گام برداری در راه فاشیستی کردن حیات اجتماعی کشور تحت لوای انتی کمونیسم و انتی سوسیالیسم است.

مظاهر اصلی این سیاست عبارت است از توسل به اصل فاشیستی پیشوایی شاه بمنظور تحکیم و بسط دیکتاتوری فردی در کلیه امور کشور، تحمیل نظام باصطلاح شاهنشاهی بمتابه ایدئولوژی رسمی حکومت و بعنوان یگانه گرایش سیاسی جامعه، اجبار عموم مردم به عضویت در حزب واحد مورد فرمان شاه. وسیله اساسی اعمال این سیاست گسترش هرچه بیشتر اختیارات خودسرانه سازمان پلیسی ساواک در جهت تشدید ترور و اختناق با استفاده هرچه وسیعتر از کلیه اسلوبهای فاشیستی تضییق و امحا مخالفان رژیم است.

۳- رژیم با توسل به نظامی گری و تسلیحات عنان گسسته، سیاست تجاوزگرانه، استیلا جویانه و مداخله گرانه ای نسبت به کشورهای مجاور ایران، علیه جنبشهای رهایی بخش و مترقی خلقهای خاورمیانه اتخاذ کرده است و در کنار مرتجعترین محافل جنگ طلب امپریالیستی، در نقش ژاندارم منطقه امنیت و صلح کشورهای مجاور ایران و اقیانوس هند را مورد تهدید قرار می دهد".

اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران - صفحات ۶۵۳
۶۵۴

سپس گزارش به این نکته مهم و اساسی در بررسی اوضاع کشور تکیه می کند و نشان می دهد که ناخرسندی عمومی در اثر مظاهر مختلفه سیاست ضد ملی و ضد دمکراتیک رژیم و تضاد فاحشی که میان امکانات رشد جامعه و واقعیت دشوار زندگی اکثر مردم وجود دارد در کار عمیق شدن است. گزارش در ادامه چنین می نویسد:

"ناخشنودی کم کم به درون طبقات حاکمه نیز سرایت کرده و حتی عناصری از آنها را به سوی مخالفت با رژیم می کشاند. مبارزات طبقه کارگر و دیگر قشرهای زحمتکش و مترقی جامعه ما در حال گسترش است و جنبش پایداری مردم که به اشکال مختلف بروز می کند، علی رغم محیط وحشت و اربابی که دستگاه جهانی ساواک با کمک مشاوران امریکایی و اسرائیلی بوجود آورده است، رفته رفته شکل می گیرد و در مجموعه خود وسعت می یابد. بدین سان پایه های اجتماعی رژیم بیش از پیش تنگ تر می شود و دیکتاتوری مطلقه شاه پروسه انفراد خود را طی می کند.

"این جنب و جوش نمودار آن است که جنبش ملی و دمکراتیک کشور ما به دوران فروکش خود پایان می دهد و در صورتیکه مظاهر ناخرسندی مردم و مبارزات و مقاومتهای پراکنده آنها سازمان یافته، به هم پیوندی پیدا کنند می توانند به عوامل واقعی دوران جدیدی از اعتلا جنبش انقلابی مبدل گردند..."

اسناد و دیدگاهها - اسناد پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران - صفحه ۶۵۴

در سند پلنوم از گزارش سیاسی هیئت اجراییه چنین نقل قول شده است :

"بررسی اقدامات سیاسی و اقتصادی رژیم و شرایط وخیم زندگی توده های مردم تردیدی باقی نمی گذارد که دیکتاتوری رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه با نظام فاشیستی ترور و

اختتاقی که بر میهن ما مسلط ساخته است، با باز گذاردن دست غارتگرانه امپریالیسم در تاراج ثروت‌های ملی ما و همداستانی با نقشه‌های تجاوزگرانه امپریالیستی، هم استقلال و حاکمیت کشور را به خطر می‌اندازد و هم در برابر تکامل دموکراتیک جامعه ما بزرگترین مانع است... بنابراین از میان برداشتن این مانع اساسی یا به دیگر سخن واژگون ساختن این رژیم ارتجاعی، جابر و تجاوزگر ضرورتاً شرط مقدم حرکت جامعه ما بسوی هدف‌های ملی و دموکراتیک مردم ایران است".

اسناد و دیدگاه‌ها - اسناد پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران - صفحات ۶۵۴ - ۶۵۵

گزارش در ادامه، اقدامات چهارگانه زیر را برای تدارک زمینه‌های لازم برای نیل به براندازی رژیم کودتا ضروری می‌شمارد:

- 1- "تجهیز همه نیروهای ممکن برای مبارزه در این راه.
 - 2- کوشش در راه تجمع نیروهای وسیع خلق و متحد ساختن آنها برای مبارزه مشترک از طریق فعالیت مستمر در میان توده‌های مردم بمتابیه پایه اساسی این زمینه‌سازها.
 - 3- استفاده از تضادها و شکاف‌های داخل پایگاه اجتماعی رژیم در جهت نیل به هدف مشترک همه نیروهای مخالف رژیم.
 - 4- متحد ساختن جریان‌های مختلف ضد رژیم و سازمان‌های پراکنده انقلابی، صرف نظر از اختلاف در عقاید سیاسی و گرایش‌های اجتماعی، پیرامون برنامه و خط مشی مشترک".
- اسناد و دیدگاه‌ها - اسناد پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران - صفحه ۶۵۵

در این پلنوم برنامه تفصیلی حزب توده ایران در ۳۲ صفحه مشتمل بر مشخصات عمده وضع جهان، مشخصات عمده وضع ایران، اصلاحات ارضی، صنعتی کردن کشور، سیاست خارجی، نفوذ امپریالیسم در کشور ما، سیاست ضد دموکراتیک هییت حاکمه، زندگی و مشکلات مردم، تحول در آرایش طبقاتی جامعه و موضع طبقات و قشرها در جنبش، و پیشنهادات برای تحول بنیادی جامعه ایران شامل برنامه حکومت ملی و دموکراتیک عرضه شده است که به نظر نگارنده از جهت دقت و جامعیت در نوع خود بی نظیر است. نگارنده به دلیل جلوگیری از اطاله کلام محتوای این برنامه را در این نوشته نقل نمی‌کند ولی به خوانندگان ارجمند مطالعه این سند تاریخی را قویاً توصیه می‌نماید.

در بند الف این مقاله کوشش بعمل آمد که کلی‌ترین خطوط تحلیل و ارزیابی‌های سیاسی و برنامه‌ای حزب توده ایران در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد تا استانه بروز شرایط انقلابی در سال ۱۳۵۷ در ایران معرفی گردد. نگارنده امیدوار است که با آرایه نمونه‌های محدود فوق نشان داده باشد که حزب توده ایران دارای تحلیل دقیق، جامع و مشخصی از شرایط مشخص و تغییر یابنده آن دوران بوده است.

ب - فقدان خط مشی مبارزاتی

ضرورت پرداختن به مسیله خط مشی و اسلوب‌های مبارزاتی از آن رو حایز اهمیت است که می‌توانند خطوط عملی و پراتیک مبارزه را در برابر رزمندگان راه آزادی میهن قرار دهند. بدون کاربست اسلوب و خط مشی درست مبارزاتی حتی با در اختیار داشتن علمی‌ترین و بهترین تحلیل‌ها ضرورتاً نتیجه مطلوب حاصل نمی‌گردد. از اینروست که حزب توده ایران در این دوران تاکید ویژه‌ای بر استفاده از اسلوب‌های صحیح و اثربخش مبارزاتی داشته است. نگاه مختصری به اسناد گواه این ادعا است.

رفیق فقید احسان طبری در مقاله ای تحت عنوان "برخی مسایل مربوط به انقلاب ملی و دمکراتیک در کشورما" منتشره در مجله دنیا، ارگان تیوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران - سال هفتم - تابستان ۱۳۴۵ مرحله ومحتوای انقلاب ملی و دمکراتیک، شرایط عینی و ذهنی انقلاب، عوامل داخلی و خارجی انقلاب، راه انقلاب ایران، مسیله سرکردگی در انقلاب، خصلت دولت انقلابی، مسیله جبهه واحد ضد امپریالیستی - برنامه مشترک جبهه واحد و دولت دمکراسی ملی - هدف استراتژیک و شعارهای تاکتیکی - مسیله سازمان انقلابی و رهبری انقلابی را مورد بررسی جامع قرار داده و در مورد شیوه ها و اسلوبهای مبارزاتی چنین می نویسد:

1- "گفته می شود در شرایط کنونی ترور و اختناق و سیطره ساواک دیگر اصل هایی مانند ایجاد شبکه مخفی، در امیختن کار مخفی و علنی کهنه شده و باید بدور انداخته شود و تنها راه ایجاد واحدهای مسلح و بویژه ایجاد واحدهای حزب در درون دسته های مسلح روستایی است. این نظریه، لافل در این شکل آن، که باید شیوه های سنتی کار حزبی مخفی و در امیختن مخفی و علنی را به کنار گذاشت و تنها متوجه ایجاد واحدهای مسلح شد، نادرست است....

2- برخی رفقا مخالف شعار حزب در باره استفاده از سازمانهای علنی مانند سندیکاهای کارگری، شرکتهای تعاونی و دیگر سازمانهای موجود (جوانان و زنان و غیره) هستند و استدلال می کنند که اولاً این سازمانها تحت کنترل ساواک است و ثانیاً تلاش مثبت در این سازمانها منجر به لو رفتن می شود زیرا ساواک به برکت افراد مرتد و خاین از اسلوب کمونیستها در باره استفاده از سازمانهای علنی نیک خبر دارد و گوش به زنگ است. هر دو این استدلال نادرست است. نکته این جاست که باید تمام دستگیره ها و دستاویزهای قانونی و علنی را که می تواند منجر به پیدایش یک مبارزه اجتماعی به هر شکل که ممکن باشد، می شود مورد استفاده قرار داد. ما به این سازمانها برای ان نمی رویم که آنها را به حزب بدل سازیم.

ما باین سازمانها برای ان میرویم که آنها را به سازمانهایی که تا انجا که ممکن است در کار و وظایف خود جدی تر بدل سازیم. ما باین سازمانها برای ان می رویم که به نحوی از انجا با توده ها وارد تماس شویم و برای خواستهای روزمره آنها تلاش کنیم. لذا اگر تاکتیک انقلابیون در استفاده از این سازمانها تاکتیک درستی باشد می تواند علی رغم گوش بزنگی ساواک در طول مدت ثمر بدهد. همه چیز به کار عاقلانه، صبورانه، درازمدت و دقیق مربوط است و الا عجله، تظاهر، شتاب انقلابی کار را به هیچ جا نخواهد رساند.

3- برخی رفقا می گویند که وجود رهبری و سازمان حزبی در خارج از کشور زاید است و باید همه چیز به داخل کشور منتقل شود. مهاجرت و کار سازمانی در مهاجرت در نظر این رفقا "آب خنک خوردن است." این نکته نیز نادرست است. بهترین شیوه کار در شرایط کنونی عبارت است از تلفیق رهبری از خارج و داخل. در اینکه در داخل کشور باید هسته یا هسته هایی با اتوریته که بتواند در موقع ضرورت نظر و رهنمود بدهد بوجود آید تردیدی نیست ولی باید مرکز خارج کشور را برای اجرای وظایف معینی حفظ کرد. این وظایف عبارت است از: تامین ارتباط بین سازمانهای پراکنده داخل کشور، فعالیت تیوریک، تدارک مطبوعات، پرورش کادر، حفظ ارتباطات بین المللی و غیره....

4- برخی رفقا معتقد به وجود سازمان متمرکز در داخل کشورند. معتقدند که باید مرکز واحدی کلیه سازمانهای درون کشور را از داخل رهبری کند. این خطاست. اصل عدم تمرکز اصل مهم کار سازمانی در شرایط اختناق است"....

مجله دنیا، ارگان تیوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران - سال هفتم - تابستان ۱۳۴۵ - صفحات ۲۲ - ۲۳

همچنین در تترها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران که بمناسبت بیست و پنجمین سال تاسیس حزب، تحت عنوان "حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی" منتشره در مردم، دوره ششم، شماره هجدهم، شهریور ۱۳۴۵، در زمینه شیوه ها و اسلوبهای مبارزه چنین می خوانیم:

9- "...محتوی یک تحول انقلابی در کشور ما در مرحله کنونی عبارتست از منتقل شدن قدرت حاکمه از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم بدست طبقات زحمتکش و دیگر قشرهای ملی و دمکراتیک. یک چنین تحول انقلابی نمی تواند جز از راه اعمال قدرت مردم علیه ارتجاع، جز از طریق تحمیل انقلابی انجام گیرد. این تحول انقلابی که در هر حال تحمیل اراده مردم علیه دشمنان مردم است بر حسب شرایط می تواند بصورت مسالمت امیز یا غیر مسالمت امیز (قیام مسلحانه و جنگهای انقلابی و غیره) انجام پذیرد. تردیدی نیست که مردم ایران و حزب ما خواستار حل مسالمت امیز تضادهای جامعه و تحقق مسالمت امیز انقلابند، ولی هیئت حاکمه ایران با اتخاذ سیاست خشن ترور و اختناق و محو کامل از ادبیهای دمکراتیک و عدم تحمل کمترین اپوزیسیون علیه رژیم و واکنش خشن و خونین در مقابل هر گونه مخالفت، خود به دست خود امکان تحول مسالمت امیز را از میان برده است.

برای آنکه انقلاب ایران روی دهد تنها عامل ذهنی - وجود حزب طبقه کارگر و دیگر سازمانهای انقلابی و اتحاد نیروهای انقلابی کافی نیست، بلکه نضج شرایط عینی انقلاب و پیدایش وضع انقلابی در جامعه ضرور است. حزب با مبارزه، افشاگری و سیاست صحیح استفاده از تضادها می تواند پیدایش وضع انقلابی را در جامعه تسریع کند و به نضج شرایط ان کمک نماید. وظیفه حزب تدارک فعال انقلاب است.

10- شرط عمده و اساسی کامیابی حزب در مبارزه مقدس خود ان است که وی بتواند سازمان خود را بر اصول لنینی در کشور تحکیم کند. تعیین و تصریح مشی درست سازمانی حزب در شرایط ترور و اختناق برای روشن کردن وظایف مشخص حزب در این زمینه دارای اهمیت فراوانی است. اصول عمده راهنما در مورد یک سیاست صحیح سازمانی در شرایط کنونی عبارتست از مراعات عدم تمرکز سازمانی در کشور، در عین حفظ رهبری متمرکز، تلفیق کار خارج و داخل کشور، تلفیق کار مخفی و علنی، ترجیح کیفیت بر کمیت.

"...

اسناد و دیدگاهها - حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی - وضع کشور و وظایف مبرم سیاسی و سازمانی حزب ما - صفحات ۷۰۳ - ۷۰۴

رفیق فقید نورالدین کیانوری در مقاله ای تحت عنوان "نکاتی در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران" که در بهمن سال ۱۳۵۱ در جزوه ضمیمه "مردم" انتشار یافته در باره انقلاب ایران و مهم ترین وظایف لحظه چنین می نویسد "...: در چنین شرایطی وظیفه عملی مبارزان انقلابی میهن ما این است که با تحلیل علمی و همه جانبه از کار گذشته و با پند گیری از اشتباهات گذشته کار سازندگی را از نو آغاز کنند و تمام کوشش خود را در جهت تدارک همه جانبه عامل ذهنی یعنی احیا انچنان سازمان سیاسی انقلابی که بتواند در جریان تحول اتی جامعه ایران و در هر حال نقش افشاگری نسبت به امپریالیسم و ارتجاع و نقش تجهیز کننده و سازمانده مبارزات روزمره مردم را بدرستی ایفا نماید، به کار اندازد."

اسناد و دیدگاهها - نکاتی در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران - صفحه ۷۰۸
او در بخش دیگری از همین مقاله می نویسد:

"لنین به ما می آموزد که احیا سازمانهای انقلابی طبقه کارگر تنها در جریان مبارزات همه جانبه اجتماعی امکانپذیر است. بدون شرکت فعال در مبارزات مردم در همه بخشهای زندگی جامعه نمی توان پیشقراول طبقه کارگر را متشکل ساخت، با تیوری انقلابی مجهز کرد، در جریان نبرد با تجربه شخصی آموزش داد، پیوندش را با خلق محکم کرد و وی را برای

رهبری مبارزات خلق آماده ساخت. در میدان مبارزات اجتماعی، در سه بخش عمده اش، یعنی مبارزات اقتصادی، سیاسی و ایدیولوژیک است که بنای سازمان محکم سیاسی طبقه کارگر پی ریزی می شود، در زندگی اجتماعی کنونی کشور ما، علی رغم رژیم اختناق پلیسی، این هر سه بخش مبارزه اجتماعی با شدت روزافزونی جریان دارد". اسناد و دیدگاهها - نکاتی در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران - صفحه ۷۰۹ و ادامه می دهد:

.. "به طور خلاصه برای یک مبارز انقلابی در ایران همه گونه امکان وجود دارد که به اشکال گوناگون در مبارزات جاری اقتصادی، سیاسی و ایدیولوژیک فعالانه شرکت جوید و ضمن این شرکت، فعالیت انقلابی خود را به بهترین وجهی در سایه حمایت توده های مترقی و مبارز به ثمر برساند".

اسناد و دیدگاهها - نکاتی در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران - صفحه ۷۱۰

نامبرده در مقاله دیگری تحت عنوان "پیوند کار پنهانی و کار اشکار تبلیغاتی و تشکیلاتی یگانه شیوه درست مبارزه در شرایط اختناق سیاسی است" می نویسد: "رفقای عزیز، بجای آنکه این نیروی عظیم را مصرف کارهایی نماییم که جز اتلاف وقت و به خطر انداختن بهترین نیروها و از دست دادن امکانات برای پیشبرد ن کار اساسی جنبش انقلابی در لحظه کنونی، یعنی آموزش و تبلیغ و سازماندهی جنبش کارگری نتیجه ای ندارد، باید این نیرو را در راه درست، یعنی نزدیکتر شدن به طبقه کارگر و سایر زحمتکشان، بالا بردن شناخت اجتماعی و آگاهی سیاسی شان و کمک به سازمانیابی آنان بکار اندازیم. حزب توده ایران با پیروی از این آموزشهای لنین بر ان است که عمده ترین وظیفه مبارزان توده ای، یعنی مارکسیست لنینیستهای پیگیر، در لحظه کنونی عبارتست از تلاش همه جانبه برای پیوند دادن مبارزه مخفی سیاسی انقلابی با همه امکانات علنی و قانونی، هر اندازه هم که این امکانات محدود و ناچیز باشد .

آیا ادعای ان رفقای که می گویند در شرایط اختناق سیاه فاشیستی کنونی هیچگونه امکانی برای کار علنی وجود ندارد درست است؟ به نظر ما این ادعا ناشی از یک برخورد غیرلنینی به واقعیت اجتماعی موجود در میهن ماست. این واقعیت نشان می دهد که امکانات بسیار وسیعی برای فعالیت علنی دوش به دوش طبقه کارگر و سایر طبقات زحمتکش و قشرهای اجتماعی زیر فشار در ایران موجود است.

ده ها و ده ها اعتصاب کوچک و بزرگ کارگری در یک سال گذشته، نمایشات اعتراضی دانشجویان، اعتصاب کارمندان موسسات گوناگون، اعتراض مردم در زمینه کمبود و گرانی خواربار، بدی شرایط حمل و نقل، نداشتن خانه، گرانی مسکن و اجاره بها، نبودن آب، قطع برق و غیره و غیره، برخورد با ماموران دولت و شهرداری و شهربانی و ژاندارمری، اعتراض دهقانان در مقابل فشار بانک عمران، سلف خران، غارتگران ده و گردانندگان دزد شرکتهای تعاونی، و فشار و جنایت ژاندارمها و ماموران دولت و نمونه های بسیار دیگری که از گسترش روزافزون ناخشنودی بر اثر گرانی طاقت فرسا، عقب ماندن افزایش درآمدها از افزایش بی سابقه بهای کالاهای مصرفی و کرایه خانه و ترور و اختناق و سیاست ضد ملی رژیم ناشی می شود، بهترین شاهد وجود امکانات علنی برای مبارزه است، امکاناتی که به بهترین وجه می توان آنها را با مبارزه علنی مخفی انقلابی و روشنگری سیاسی به هم پیوند داد.

یک واحد حزبی هر اندازه هم کوچک باشد اگر محیط کار و زندگی خود را مورد بررسی عمیق قرار دهد و در این بررسی برخوردی مبارزه جویانه داشته باشد دهها امکان پیدا می کند که بتواند از راههای گوناگون کار مخفی روشنگری انقلابی خود را با مبارزات علنی

زحمتکشان پیوند دهد، این مبارزه را تدارک ببیند، راهنمایی کند و در پایان از آن ارزیابی آموزنده ای بنماید"...

اسناد و دیدگاهها - پیوند کار پنهانی و کار اشکار تبلیغاتی و تشکیلاتی یگانه شیوه درست مبارزه در شرایط اختناق سیاسی است - صفحات ۷۷۲ - ۷۷۳

نمونه های فوق نشانگر خط مشی و اسلوبهای مبارزاتی حزب توده ایران در دوران مورد بحث می باشد. نگارنده بر این باور است که تاریخ درستی این مشی و اسلوب مبارزه را به ثبوت رساند و ثمربخشی خود را اشکار ساخت، چنانکه در استانه انقلاب بیش از ۶۰ گروه حزبی بطور غیرمتمرکز تحت رهبری حزب به فعالیت سازمانی در سراسر ایران مشغول بودند.

بدون شک دیالوگ صمیمانه و مشفقانه و بر خورد علمی رهبری حزب توده ایران با رفقای سازمان چریکهای فدایی خلق برای نشان دادن نادرستی مشی چریکی موجب آن شد که در استانه انقلاب بخش بزرگی از این رفقا مشی مبارزاتی خود را مورد بازبینی قرار دهند و راه خود را از آن جدا نمایند. بی تردید این دوران در این زمینه نیز درسهای گرانمایی را برای جنبش انقلابی و کارگری ایران به میراث گذاشته است.

نتیجه گیری:

بررسی اسناد به جا مانده از آن دوران، که نگارنده تنها امکان دسترسی به تعداد محدودی از آن را برای تهیه این مقاله داشته، حکایت از آن دارد که حزب توده ایران کوشش عظیمی را مصروف بررسی و تحلیل جامع از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و تدوین شیوه های مبارزاتی کرده است. برنامه های ارائه شده توسط این حزب برای تحول بنیادین جامعه ایران در نوع خود بی نظیر بوده و هیچ سازمان سیاسی قادر به رقابت با این حزب در این زمینه نمی باشد. با توجه به نمونه های فوق با صراحت می توان گفت که دعوی دوم آقای نویدی مبنی بر فقدان تحلیل و مشی مبارزاتی از جانب حزب توده ایران پایه ای در واقعیت تاریخی ندارد.

اما درباره ادعای سوم ایشان:

"در حقیقت خط مشی حزب توده بازتاب سیاست خارجی حزب کمونیست شوروی است. یعنی زمانی که حزب کمونیست شوروی با ایران مناسباتش بهتر می شود حزب توده ایران فتنه ها را پایین می کشد و بیشتر در جهت اینکه بایستی این اقدامات اینطوری بیشتر شود. با شرق روابط برقرار شود. این کمک می کند به زیرسازی جامعه و از این داستانها. زمانی که بین این دو، یعنی بین حکومت سلطنت و شوروی مناسبات سرد می شد، حزب توده هم شروع می کرد به یک مقدار تبلیغات علیه رژیم سلطنت. بنا براین یک چنین خط مشی ای اساسا و با توجه به روندی هم که ان موقع گفتم حکومت شاه داشت که با درآمدهایی هم که داشت هم با شوروی معامله می کرد و هم با امریکا که اصلا دیگه کامل در اختیارش بود. روند در جهت تسلیم طلبی و به نوعی تایید اقدامات حکومت بود. بنا بر این در جامعه یک نوع تسلیم طلبی بوجود آمده بود و ان مشی شکست خورده هم بی اعتمادی را در مردم بوجود آورده بود".

آنچه از گفتار ایشان بر می آید ان است که مواضع حزب توده ایران در برخورد با رژیم شاه تابعی از مناسبات دولت اتحاد شوروی و حکومت ایران بوده است. ایشان معتقدند که هر آنم که مناسبات این دو کشور گسترش می یافته، مخالفت حزب توده ایران با رژیم حاکم بر ایران فروکش می نموده و با بروز بحران در روابط، مخالفت این حزب تشدید می گردیده است. با آنکه نگارنده در مقاله اول موضع سازش ناپذیر و انقلابی این حزب را در برخورد با رژیم

کودتا نشان داده است برای توضیح کامل تر مایل است موضع حزب توده ایران در دوران بحران روابط ایران و شوروی، دوران از سرگیری و دوران اوج این روابط را با اتکا به اسناد منتشره حزب نشان دهد.

الف - اوج بحران روابط ایران و اتحاد شوروی به سال ۱۳۳۹ بازمی‌گردد. در این سال ایران به پیمان نظامی بغداد می‌پیوندد. محمد رضا شاه در این رابطه چنین می‌گوید:

"دولت ایران به منظور تقویت بنیه دفاعی خود در بلوک بندیهای نظامی شرکت می‌کند تا در برابر خطری که از طرف اتحاد شوروی ایران را تهدید می‌کند بتواند مقاومت به عمل آورد".

مجله دنیا ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران منتشره در تیرماه ۱۳۳۹ در مقاله ای تحت عنوان "در باره مناسبات کنونی ایران و شوروی و علل واقعی بحران ان" چنین می‌نویسد:

"روابط بین دو کشور ایران و شوروی از آغاز تاسیس دولت اخیر که محصول انقلاب کبیر اکتبر است نشیب و فرازهای فراوانی را پیموده و دچار نوسانهای زیادی شده است. ولی به جرات می‌توان گفت که در هیچ دوره ای اینچنین بحرانی و تیره نبوده و با چنین وضع نا هنجاری روبرو نشده است.

این بحران که از ماهیت سیاست کلی حکومت شاه ناشی شده است و شرکت ایران در بلوک بندی های نظامی امپریالیستی ان را تشدید می‌کند در تمام مظاهر حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران اثر می‌گذارد و در بین طبقات مختلف مردم میهن ما نگرانی زیادی تولید کرده است. همه کس از لزوم خاتمه دادن به این بحران و برقراری روابط عادی و دوستانه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بین دو کشوری که بیش از دوهزارو پانصد کیلومتر سرحدات دریایی و زمینی مشترک دارند گفتگو می‌کند".

دنیا - دوره دوم - شماره دوم - تیرماه ۱۳۳۹ صفحه ۲۵

و در همان زمان کمیته مرکزی حزب توده ایران در پیامی خطاب به کلیه عناصر ملی و ازادخواه چنین می‌گوید:

"نمی‌توان دست بسته منتظر حوادث ماند و چشم براه ترحم سرنوشت و وقوع تصادفات معجزه امیز نشست. دیکتاتوری خونین و ضد ملی شاه و دستیارانش باید به دست خود مردم ایران سرنگون شود و حکومتی متکی به کلیه طبقات و قشرهای استقلال طلب و ازادخواه کشور جانشین ان گردد.

تنها راه واقعی برای نیل بدین هدف که نتیجه ان تامین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و رهایی مردم از زیر یوغ استعمار، ستم و ارتجاع است، ان است که همه عناصر میهن پرست، همه قشرهای ضد استعمار و ارتجاع یعنی قشرهای استقلال طلب و ترقی خواه و آزادی پرست جامعه از کارگران، دهقانان، روشنفکران، کارمندان، پیشه وران و سرمایه داران ملی قطع نظر از عقاید مختلف سیاسی، خواستهای طبقاتی و نظریات اجتماعی خود در یک جبهه واحد و در زیر پرچم مشترکی برای رستاخیز واقعی کشور گرد آیند".

دنیا - دوره دوم - شماره دوم - تیرماه ۱۳۳۹ صفحه ۳۷

ب - موضع گیری حزب توده ایران در رابطه با از سرگیری روابط بین این دو کشور در سند مصوب پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی چنین بازتاب یافته است:

"سیاست خارجی هییت حاکمه از سیاست داخلی اش جدا نیست. رژیم کودتا در سالهای ۶۰ بر اثر تغییراتی در تناسب نیروها و در صحنه سیاسی به سود نیروهای صلح و دموکراسی و استقلال و سوسیالیسم بویژه رشد و رونق جنبشهای رهایی بخش در خاورمیانه و بالاخره بر

اثر بسط مبارزات داخلی علیه رژیم و پیدایش برخی پدیده های نوین در داخل مجبور گردید در سیاست داخلی خود تغییراتی دهد و به عقب نشینی هایی دست زند و خود را تا آنجا که با ماهیت رژیمش وفق دهد، با شرایط جدید دمساز گرداند. در همین سالهاست که نظیر چنین تغییری در سیاست خارجی نیز مشاهده می شود.

که مهمترین آنها عادی کردن مناسبات با اتحاد شوروی و آغاز یک سلسله همکاریهای اقتصادی و بسط مبادلات بازرگانی با این کشور و سایر کشورهای سوسیالیستی است". اسناد و دیدگاهها - سند مصوب پلنوم دوازدهم

در همین سند در برخورد با رژیم شاه چنین می خوانیم:

"مرحله انقلاب ایران کماکان مرحله ملی و دمکراتیک است و نیروهای اساسی محرکه ان اتحاد کارگر و دهقان. در شرایط کنونی این انقلاب در عین حال بیش از پیش دارای محتوای مبارزه با سرمایه داران بزرگ و مبارزه با راه رشد سرمایه داری می شود. شکل عمده سازمانی خلق در این مرحله انقلاب جبهه وسیع ضد امپریالیستی و دمکراتیک است که باید از پرولتاریا تا سرمایه داری ضد امپریالیستی را برای هدفهای انقلاب متحد سازد". اسناد و دیدگاهها - سند مصوب پلنوم دوازدهم

در همین دوران در مقاله ای به قلم زنده یاد منوچهر بهزادی تحت عنوان "سرنوشت یک شعار" که در ماهنامه نامه مردم - شماره ۳۵ - بهمن ۱۳۴۶ منتشر گردیده، در برخورد با رژیم بر آمده از کودتای ۲۸ مرداد، چنین می خوانیم:

"حزب ما معتقد بوده و هست که برای هر میهن پرست و آزادیخواه ایرانی آرزویی بزرگتر از ان نیست که رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک ایران هر چه زودتر و به هر وسیله سرنگون شود. و جای خود را به یک رژیم ملی و دمکراتیک بدهد. ولی حزب ما در همان حال که معتقد است برای تحقق این آرزو با تمام نیرو و با استفاده از تمام امکانات باید مبارزه کرد، آرزوی خود را به جای واقعیت نمی گذارد. حزب ما مارکسیست - لنینیست است و به همین دلیل با شیوه علمی به تحلیل واقعیت عینی می پردازد و نتیجه گیری می کند. بر همین اساس حزب ما به این نتیجه رسیده است که شرایط عینی و ذهنی انقلاب اکنون در ایران فراهم نیست. به همین دلیل حزب ما و همه نیروهای انقلابی و مترقی وظیفه دارند به تدارک و تامین عامل ذهنی (که در اختیار آنهاست) یعنی افشا ماهیت رژیم، تجهیز و تشکل مردم به مبارزه در تمام زمینه ها و با استفاده از تمام اشکال ممکن بر ضد رژیم، احیا سازمانهای حزبی در ایران و تامین وحدت عمل نیروهای اپوزیسیون دمکراتیک و انقلابی بپردازند تا هنگام فراهم آمدن شرایط عینی انقلاب بتوانند از ان برای استقرار حکومت ملی و دمکراتیک در ایران استفاده کنند. اینکه از چه راه این کار انجام خواهد گرفت فقط در همان زمان معلوم و معین خواهد شد. حزب ما معتقد است که باید از همه راهها - مسالمت امیز و غیر مسالمت امیز - قانونی و غیر قانونی - مخفی و علنی استفاده کرد".

ماهنامه نامه مردم - شماره ۳۵ - بهمن ۱۳۴۶

ج - در اوج روابط ایران و اتحاد شوروی به سال ۱۳۵۴ در برنامه حزب توده ایران مصوب پلنوم پانزدهم چنین می خوانیم:

"سیاست خارجی هیئت حاکمه از مراحل مختلف گذشته است. در مرحله نخستین هیئت حاکمه با دنباله روی از سیاست امپریالیستی جنگ سرد، راه دشمنی آشکار با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را دنبال کرده است. در مرحله دوم تحت تاثیر تغییر تناسب نیروها در سطح بین المللی به سود سوسیالیسم، تاثیر مثبت سیاست صلح دوستانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، تاثیر مبارزات استقلال طلبانه توده های مردم ایران و در پیشاپیش آنها حزب توده ایران، پس از سالها مقاومت عنودانه، مجبور شد در راه عادی کردن روابط سیاسی، بسط مناسبات اقتصادی و همکاریهای فنی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی گامهایی بردارد".

اسناد و دیدگاهها - برنامه حزب توده ایران مصوب پلنوم پانزدهم - صفحه ۶۷۹

و در همین سند برنامه ای در رابطه با در دستور روز بودن انقلاب و برخورد با رژیم سلطنتی چنین می خوانیم:

"شرط ضرور تحول انقلابی ایران در مرحله کنونی واژگون کردن رژیم فرتوت سلطنتی، شکستن دستگاه دولتی ارتجاعی و پایان دادن به حاکمیت سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ و انتقال قدرت حاکمه از دست این طبقات به دست طبقات و قشرهای ملی و دمکراتیک یعنی کارگران، دهقانان، خورده بورژوازی شهر (پیشه وران و کسبه)، روشنفکران میهن پرست و مترقی و قشرهای ملی بورژوازی، یعنی استقرار جمهوری ملی و دمکراتیک است".

اسناد و دیدگاهها - برنامه حزب توده ایران مصوب پلنوم پانزدهم - صفحه ۶۹۰

نمونه های فوق به روشنی موضع حزب توده ایران نسبت به رژیم کودتا را در اوج بحران، شروع روابط و بالاخره اوج روابط با اتحاد شوروی نشان میدهد. قضاوت را به خوانندگان گرامی واگذار می کنم .

اما در اینجا بی مناسبت نخواهد بود که بطور مختصر دلایل و عواملی که منجر به حمایت حزب توده ایران از گسترش روابط با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی می گردید توضیح داده شود .

به نظر نگارنده این عوامل را می توان در اجزا زیر خلاصه نمود:

1 مدهای عمده و رایج روابط بین المللی در دوران مورد بحث

2 ماهیت روابط ایران و شوروی

3 انترناسیونالیسم پرولتاری

1 مدهای عمده و رایج روابط بین المللی در دوران مورد بحث

در دوران مورد اشاره، بطور عمده، دو مدل امپریالیستی و ضد امپریالیستی در روابط بین المللی مطرح بود. در مدل اول هدف تامین تسلط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حفظ و بسط منافع شرکتهای بزرگ سرمایه داری بر کشورهای رشد نایافته و عقب مانده از جمله میهن ما ایران بود. رشد اقتصادی ناشی از این گونه روابط، در این گونه کشورها، رشدی ناموزون، ناپایدار و شکننده بوده و هر آن می توانست متوقف و یا حتی معکوس گردد. در این مدل قدرت فرادست، به شکل گسترش یابنده ای، در اختیار کشورهای رشد یافته سرمایه داری بوده و کشورهای رشد نایافته تنها نقش تابع را ایفا می کردند.

در این مدل مناسبات اقتصادی در جهت تقویت تمام عیار بخش خصوصی وابسته و ضد ملی و تضعیف و حتی تخریب و نابودی بخش سالم دولتی و یا ایجاد و تقویت بخش فاسد و ناکارآمد دولتی صورت می گرفت. اقتصاد کشورهای در حال رشد که عمده روابط خود را با جهان سرمایه داری برقرار می کردند بطور مسلط نقش بازار فروش فراورده های صنعتی کشورهای سرمایه داری رشد یافته و صادر کننده بسیاری از انواع مواد خام، مواد معدنی و سوخت را بعهده داشته و عرصه ای مساعد برای سرمایه گذاری و منبع حد اکثر در آمد برای دول امپریالیستی بودند.

در مدل دوم، تلاش بر آن بود که در میان کشورهای مختلف توازنی از نظر قدرت اعمال سیاست بوجود آید و کشورها بتوانند در عین همکاریها، از منافع متعادل بر خوردار شوند. مدلی که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از آن پیروی می کردند مدل دوم بود که در ان ضمن احترام به حق حاکمیت کشورهای رشد یابنده، در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به همکاری پرداخته و به رشد اقتصادی این کشورها کمک می کردند .

در این مدل کوشش برای ایجاد، توسعه و تقویت بخش کارآمد دولتی و تعاونی در اقتصاد بود. شکی نیست که در دنیای آن دوران، و همچنین هم اکنون، کشورهای جهان از نظر قدرت اقتصادی در شرایط متعادلی قرار نداشته و نیاز کشورهای رشد یابنده، بمنظور ایجاد چنین تعادلی، ایجاد صنایع و تاسیسات زیربنایی و پایه بود. سیاست اتحاد شوروی در این دوران کمک به کشورهای رشد یابنده و نو استقلال در جهت ایجاد اقتصاد ملی مبتنی بر استقرار صنایع و تاسیسات زیر بنایی و پایه بود.

رفیق دکتر حسین جودت در مقاله ای تحت عنوان "در باره روابط ایران و اتحاد شوروی" که در مجله دنیا - شماره ۲ - سال سیزدهم - سال ۱۳۵۱ منتشر گردیده چنین می نویسد:

"رشد و تکامل نیروهای مولده و بین المللی شدن حیات اقتصادی موجب توسعه و تعمیق دایمی تقسیم بین المللی کار می گردد، روابط اقتصادی بین کشورها اشکال گوناگون به خود می گیرد، به عبارت دیگر تقسیم اجتماعی کار از چهارچوب کشورهای جداگانه خارج شده و فعالیت تولیدی مردم جهان به مقیاس بین المللی شکل اجتماعی کسب می کند.

سرمایه داری، تقسیم بین المللی کار را با شیوه های اجبار و اعمال زور از طریق برقراری سیطره کشوری بر کشور دیگر و بالنتیجه با تعمیق عدم برابری تحقق می بخشد و این امر موجب آن می گردد که تسلط دولتهای امپریالیستی عمیق تر، تبعیت اقتصادی کشورهای وابسته محکمتر و رشد هماهنگ نیروهای مولده متوقف شود. رکود و عقب ماندگی کشورهای وابسته از اینجا ناشی می شود.

سرمایه داری جهانی میان مثنی کشورهای پیشرفته صنعتی از طرفی و کشورهای عقب مانده کشاورزی از طرف دیگر گودال عمیقی به وجود آورده است. ۷۷ درصد، یعنی بخش عمده فرآورده های صنعتی جهان سرمایه داری در چند کشور صنعتی جهان سرمایه داری - ایالات متحده امریکا، جمهوری فدرال المان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و ژاپن - تولید می گردد. در حالی که کشورهای در حال رشد که دو سوم جمعیت جهان سرمایه داری را تشکیل می دهد فقط ۱۰ درصد تمام محصولات صنعتی را تولید می کنند. نقش کشورهای وابسته در اقتصاد جهانی این شده است که مواد خام و معدنی و کشاورزی مورد نیاز کشورهای صنعتی را فراهم سازند. اکثر این کشورها کشورهای تک کالایی می باشند.

کشورهای امپریالیستی محصولات صنعتی خود را به بهای گران می فروشند و محصولات معدنی یا کشاورزی کشورهای در حال رشد را به قیمت نازل می خرند، و برای آنکه بتوانند به این وضع ادامه دهند و کشورهای وابسته را در دست خود نگه دارند از ایجاد صنایع سنگین ملی در این کشورها جلوگیری می نمایند. تا پیدایش سیستم سوسیالیستی جهانی چنین چیزی دیده نشده بود که کشورهای پیشرفته صنعتی به صنعتی شدن کشورهای دیگر کمک کنند".

دunia - شماره ۲ - سال سیزدهم - سال ۱۳۵۱ یکی از مهمترین اشکال مبادله بازرگانی اتحاد شوروی با کشورهای در حال رشد مبادلات پایاپای بود که تامین کننده منافع کشورهای رشد یابنده بود.

رفیق منوچهر بهزادی درمقاله ای تحت عنوان "دو سیاست متضاد در بازرگانی خارجی ایران" منتشره در مجله دنیا - شماره دوم - سال چهارم - تابستان ۱۳۴۳ چنین می نویسد:

"بنظر ما بازرگانی خارجی ایران باید وسیله ای برای رفع ضروری ترین نیازمندیهای تولیدی و مصرفی و انگیزه ای برای رشد تولید داخلی باشد. و تجارت پایاپای در اساس خود بهترین شکل مبادله کالا برای ایران است، زیرا بدین وسیله:

1- بازار کالاهای صادراتی ایران تامین خواهد شد و تامین این بازار به رونق و رشد تولید داخلی کمک خواهد کرد.

2- از خروج مقدار هنگفتی ارز جلوگیری خواهد شد و این صرفه جویی در ارز ذخیره لازم را برای مصرف آن در امور تولیدی و سرمایه گذاریهای بزرگ بوجود خواهد آورد.

3- جلوگیری از ورود بی بند و بار کالاهای خارجی صنایع داخلی را از رقابت نامتساوی و در نتیجه خطر ورشکست و تعطیل نجات خواهد داد و به توسعه و رونق آن کمک خواهد کرد.

تردیدی نیست که در شرایط کنونی، یعنی با صنایع ضعیف و کشاورزی عقب مانده، ما تا مدتی به بسیاری از کالاهای خارجی نیازمندیم و نمی توانیم تعادل کامل واردات و صادرات را برقرار کنیم. ولی اگر برنامه صنعتی کردن کشور و مدرنیزه کردن کشاورزی عملی گردد و واردات کشور برای کمک به این امر اختصاص داده شود، می توان پس از مدتی تعادل را برقرار کرد. درآمد نفت نیز برای کمک به عملی شدن این برنامه است که می تواند نقش مهمی بازی کند." و در ادامه می نویسد:

"تذکار این نکته لازم است که وقتی ما از مزایای بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی سخن می گوئیم و زیانهای همین روابط را با کشورهای امپریالیستی نشان می دهیم، مقصود مان این نیست که باید روابط بازرگانی با کشورهای دیگر را قطع یا محدود کرد و فقط به بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی پرداخت. بر عکس، ما معتقدیم که از تمام امکانات موجود برای استقرار وسیعترین روابط بازرگانی و اقتصادی با تمام کشورها، صرفنظر از رژیم سیاسی و اجتماعی آنها، استفاده باید کرد. فقط باید این مناسبات را بر اساس حقوق متساوی و منافع متقابل قرارداد و رابطه غارتگر و غارت زده را از بین برد. در چنین صورتی است که نه فقط این روابط موجب رونق و تحکیم اقتصاد ما می شود، بلکه مناسبات بین دولتها را عادی می کند و بهبود می بخشد، تفاهم و دوستی بین ملتها را عمیق تر می سازد و در نتیجه به صلح جهانی کمک موثر می کند." شکی نیست که مدل دوم مدلی مبتنی بر حفظ منافع اکثریت جامعه و تحکیم استقلال و سمت گیری آن ایجاد عدالت اجتماعی و بهبود زندگی توده های مردم بود. حزب توده ایران بنا بر ماهیت خود، که دفاع از منافع زحمتکشان را محور اصلی برنامه خود می داند از چنین مدلی دفاع می نمود.

2 ماهیت روابط ایران و شوروی

کسانی که کمترین آشنایی با تاریخ معاصر را دارند به خوبی می دانند که جمهوری جوان شوروی بلافاصله پس از تشکیل خود نه تنها دست دوستی و برادری بسوی خلقهایی که مستقیماً مورد ستم روسیه تزاری بودند دراز نمود، بلکه عملاً و بطور یک جانبه از کلیه مزایا و امتیازاتی که امپریالیسم تزاری در کشورهای مجاور خود به دست آورده بود صرفنظر کرد.

کشور ما ایران یکی از نمونه های درخشان این برخورداری فوری و مستقیم از خط مشی انترناسیونالیستی دولت ناشی از انقلاب اکتبر است. در دسامبر ۱۹۱۷ لنین با پیام تاریخی خود به زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق شخصاً مژده شورانگیز القا قراردادهای تقسیم ایران را برای خلقهای کشور ما به ارمغان آورد و اعلام نمود که قراردادهای منعقد شده میان روسیه تزاری و امپریالیسم انگلستان در باره تقسیم ایران برای همیشه پاره شده است. دولت تازه بنیاد شوروی نه تنها قراردادهای اسارت اور ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ را در باره تقسیم ایران یک جانبه پاره کرد و بدور ریخت بلکه در عین حال کلیه قراردادهای و موافقت نامه های اسارت اوری را که حکومت تزاری به ایران تحمیل نموده بود باطل ساخت و همه امتیازات اقتصادی، گمرکی، مالی و سیاسی دولت تزاری را ملغی نمود. از کلیه پایگاههایی که حکومت تزاری به زور از ایران گرفته بود، از راه آهن، بندرگاهها، حقوق انحصاری کشتیرانی، استفاده از منابع زیر زمینی و غیره صرف نظر کرد. بدین سان انقلاب اکتبر میهن ما را از اسارت امپریالیستی نجات داد و عملاً به مردم ایران اهمیت وجود دولت بزرگ سوسیالیستی را برای استقلال و آزادی ایران نشان داد و آنها را به پشتیبانی برادرانه دولت

شوروی در مبارزات رهایی بخش علیه امپریالیسم، در مبارزه بخاطر رشد مستقل در راه ترقی و سعادت امیدوار و مطمئن ساخت .
برای روشن ساختن سیاست دولت اتحاد شوروی نسبت به ایران به ذکر نمونه های اقتصادی زیر اکتفا می کنیم:

الف - از اولین روزهای پس از جنگ جهانی مسیله ایجاد صنایع ذوب آهن بمثابة یکی از خواسته های مبرم مردم ایران و یکی از ارکان رشد اقتصاد مستقل و ملی مطرح گردید. در این زمینه مذاکرات مفصل با شرکتهای امریکایی، انگلیسی، المانی و فرانسوی به عمل آمد، میلیونها تومان به جیب متخصصین و کارشناسان شرکتهای خارجی بنام عملیات اکتشافی و طراحی ریخته شد، ولی از همه اینها نتیجه ای عاید نگشت و مسیله ایجاد یک کارخانه کوچک ذوب آهن در ایران کما کان بصورت ارزوی ملی مردم ایران باقی ماند. کارشناسان شرکت امریکایی " کایزر" چنین اظهار داشته بودند که به علت محتوای زیاد مس در سنگ آهن ایران، ایجاد صنایع ذوب آهن در ایران با صرفه تمام نمی شود. در صورتیکه کارشناسان کمپانی المان باختری "دماک کروپ" به نتیجه ای کاملاً معکوس رسیده بودند. بالاخره پس از مذاکرات زیاد دولت ایران طبق نظر متخصصین امریکایی چنین تصمیم گرفت که فعلاً در ایران کارخانه تهیه آهن آلات از شمش آهن ایجاد شود و کار تاسیس ذوب آهن برای مراحل بعدی بماند. و شمش آهن مورد لزوم کارخانه از خارج وارد شود. این مسیله را هفتم سپتامبر ۱۹۶۱ وزیر صنایع و معادن اظهار نمود. وی چند روز بعد اظهار داشت که "ما وسایل و پول لازم برای تاسیس چنین کارخانه ای را نداریم".

مذاکرات در باره ایجاد کارخانه ذوب آهن با دولت شوروی در سال ۱۹۶۴ آغاز گشت و درست یک سال بعد نتایج عملی آن اشکار شد. در تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۶۵ قرارداد مربوط به ایجاد کارخانه ذوب آهن امضا و پس از تکمیل عملیات ساختمان، نصب و راه اندازی در سال ۱۹۷۰ به مرحله بهره برداری رسید. فرآورده های اصلی این کارخانه شامل چدن، فولاد، شمش، آهن شش گوش، تیر آهن و دیگر فرآورده های فولاد بود. با اجرای این طرح برای اولین بار کشور ما صاحب صنعت فولاد که پایه ای ترین صنعت برای توسعه اقتصادی است گردید.

درست یکسال بعد در شهریور ۱۹۷۱ کارخانه ماشین سازی اراک با استفاده از کمکهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی بکار افتاد. ظرفیت این کارخانه سالانه ۳۰ هزارتن ماشین آلات و وسایل گوناگون مکانیکی بود. نکته قابل توجه اینکه هزینه کلیه طرحهای مورد قرارداد با اتحاد شوروی از محل صدور گازهای ناشی از استخراج نفت که تا قبل از آن سوزانده می شد تامین می گردید.

ب - مطابق بررسی های کارشناسی، ایران صاحب دومین منابع گازی جهان می باشد. از ابتدای قرن بیستم که استخراج نفت در ایران آغاز شده تا سال ۱۹۷۰ که بهره برداری از اولین لوله سراسری گاز ایران آغاز گردید، تقریباً تمام گازهای حاصله از استخراج نفت سوزانده می شد. بر روی هم مقدار گازی که شرکت انگلیسی نفت و کنسرسیون بین المللی در سالهای غارت دخایر نفت ایران سوزانده و به هدر داده اند به ۴۵۰ میلیارد متر مکعب بالغ می شد .

ارزش این مقدار گاز با محاسبه قیمت های آن دوره بیش از ۱۵ میلیارد دلار بود. با انعقاد اولین قرارداد فروش گاز به اتحاد شوروی امکان استفاده ثمربخش سالانه تا ده میلیارد متر مکعب از گازهای طبیعی ایران فراهم گردید. با فروش این مقدار گاز ایران نه فقط توانست هزینه خرید و ایجاد اولین کارخانه ذوب آهن را پرداخت نماید بلکه قادر به خرید و ایجاد کارخانه ماشین سازی اراک، ایجاد نیروگاه آبی سد ارس، و نیروگاههای حرارتی و دهها طرح دیگر شد .

و در پایان این بخش نگارنده مایل است نظر رفیق شهید دکتر حسین جودت را از مقاله "در باره روابط ایران و اتحاد شوروی" که در مجله دنیا - شماره ۲ - سال ۱۳۵۱ منتشر گردیده نقل نماید:

"البته استفاده همه جانبه از کمکهای اقتصادی، علمی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی فقط مکملی برای منابع و امکانات کشور ما می تواند باشد. عامل قاطع در نوسازی اقتصادی، بسیج و استفاده از کلیه امکانات و ذخایری است که در کشور ما وجود دارد و این امر بدون خاتمه دادن به نفوذ انحصارهای امپریالیستی و برچیدن پایگاه اقتصادی آنها در کشور میسر نمی گردد."

مجله دنیا - شماره ۲ - سال ۱۳۵۱ صفحه ۲۹

نمونه های فوق نشانگر سیاست همزیستی مسالمت امیز و کمک اتحاد شوروی به کشورهای در حال رشد از جمله میهن ما بود. چنین سیاستی که منطبق بر منافع ملی ما است نمی توانست مورد مخالفت نیروهای دمکراتیک و میهن پرست از جمله حزب توده ایران قرار گیرد.

3- انترناسیونالیسم پرولتری

مشخصه اساسی طبقه کارگر آن است که این طبقه تنها دشمن ملی ندارد بلکه دشمن بین المللی هم دارد و این دشمن سرمایه بین المللی است. تسلط سرمایه بر طبقه کارگر به حدود یک کشور و یک ملیت محدود نیست. لنین آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان می گوید:

"سرمایه نیرویی است جهانی. برای پیروزی بر این نیرو اتحاد جهانی کارگران و برادری آنان در مقیاس جهانی ضروری است."

کلیات آثار لنین - جلد دوم - طرح و توضیح برنامه سوسیال دمکرات - صفحه ۹۳

سرمایه با سرعتی حیرت انگیز از یک کشور به کشور دیگر می رود. روابط میان گروههای مختلف سرمایه داران پیوسته نزدیک تر و دامنه دار تر میگردد. به بیان دیگر سرمایه خصلتی بین المللی دارد و از این رو طبقه کارگر هر کشوری در برابر اتحادیه بین المللی سرمایه داران قرار دارد.

دیر زمانی است که هر پیروزی طبقه کارگر، احزاب کارگری و یا جنبش آزادی بخش در هر کشور و هر نقطه ای از جهان با واکنش خصمانه ارتجاع جهانی و محافل امپریالیستی روبرو می گردد. طبقه کارگر تمام کشورها از همان اوان پیدایش جنبش کارگری برای اتحاد و همبستگی خود ضرورت حیاتی قایل بودند. ندای پر صولت "پرولتاریای جهان متحد شوید." نخستین بار توسط مارکس و انگلس در سراسر جهان طنین انداخت و لنین در توجیه صحت این شعار می نویسد:

"سرمایه نیرویی بین المللی است، برای پیروزی بر آن، اتحاد بین المللی کارگران ضروری است."

کلیات آثار لنین - جلد دوم - نامه به کارگران و دهقانان اوکراین - صفحه ۲۶۸
حزب توده ایران یکی از اعضا خانواده احزاب کمونیستی و کارگری است و این حزب انترناسیونالیسم پرولتری را یکی از منابع و پشتیبانان صدیق جنبش کارگری ایران می داند. واقعیت این است که حزب توده ایران صد در صد ایرانی و مستقل بوده و تاکتیک و استراتژی خود را در مبارزه برای کسب، تامین و تحکیم استقلال، آزادی و ترقی ایران خود راسا تدوین می نماید و کمترین دخالتی را نیز از جانب هیچ کس نمی پذیرد. در آن سالها هیچ حزب کمونیستی و کارگری در جهان سرمایه داری نبود که از جانب محافل امپریالیستی متهم به وابستگی به شوروی، الت دست، فاقد فکر و عمل مستقل و غیره نشده باشد.

سالهای متمادی است که این اتهامات کین توزانه از جانب دشمنان قسم خورده مردم نثار حزب توده ایران می شود.

به گفته زنده یاد محمد پورهرمزگان:

"دشمنان داخلی و خارجی حزب ما و جنبش انقلابی میهن ما در گذشته و همیشه وجود روابط انترناسیونالیستی حزب ما را دستاویزی برای انواع اتهامات بر حزب و اعضا ما قرار داده اند. وفاداری به انترناسیونالیسم پرولتری همیشه یکی از اتهاماتی بوده است که دادگاههای نظامی شاه (و رژیم ولایت فقیه - ر. ا) به استناد آن بهترین فرزندان حزب ما را بچوبه اعدام تسلیم کرده اند".

انقلاب اکبر و ایران - مقاله انقلاب اکبر و تکامل انترناسیونالیسم پرولتری (۱) - صفحه ۶۸

خسرو روزبه در آخرین دفاع خود در دادگاه نظامی چنین می گوید: "از اینکه در کيفرخواست نسبت وطن فروشی به من داده شده است سخت متأثرم. نه تنها من بلکه هیچ یک از اعضای حزب توده ایران، در هیچ مورد منافع ایران را از مد نظر دور نداشته است". دفاعیات رفیق شهید خسرو روزبه در دادگاه نظامی و سپس می افزاید:

"کمیتة مرکزی حزب ما، با کمیتة های مرکزی احزاب کمونیست جهان و از ان جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی و احزاب کمونیست جمهوری های توده ای اروپای شرقی و حزب کمونیست چین و سایر احزاب کمونیست جهان ارتباط دارد.

وجود چنین ارتباطی به منظور مبادله تجربیات حزبی و انقلابی این احزاب است، اهمیت مارکسیسم خلاق در همین جنبه تطبیق اصول کلی مارکسیستی - لنینیستی با شرایط و اوضاع و احوال خاص هر کشور و ملت است .

ما میبایست در باره شناسایی جامعه خود، وضع نسبی طبقات، روحیات انقلابی، اوضاع اقتصادی و هر عاملی که می تواند به نحوی از انحا در کشف قوانین خاص انقلابی جامعه ایران به ما کمک کند مطالعه و بررسی نماییم و محصول تجربیات تیوریک و پراتیک انقلابی خویش را با احزاب کمونیست برادر به میان بگذاریم تا آنها نیز از تجربیات حزب ما استفاده کنند.

و همانگونه که ما نیز از مجموعه تجربیات انقلابی احزاب کمونیست برادرو در درجه اول از تجربیات انقلابی حزب کمونیست اتحاد شوروی استفاده کرده ایم و بعدا نیز باید استفاده کنیم".

دفاعیات رفیق تیرباران شده خسرو روزبه در دادگاه نظامی

رفیق علی خاوری در آخرین دفاع خود در دادگاه نظامی به این مناسبت چنین می گوید:

"خصلت میهن دوستی حزب ما را انکار می کنند. انترناسیونالیسم پرولتری نه تنها با میهن پرستی واقعی هیچ گونه تضادی ندارد، بلکه لازمه ان است. ما در عین حال که انترناسیونالیست هستیم خود را صادق ترین میهن پرست می دانیم. گواه میهن دوستی ما، از خود گذشتگی هزاران هزار توده ای است که برای سعادت میهن خود انواع محرومیت ها، بیکاری و آوارگی، فقر و گرسنگی، حبس و شکنجه و تبعید را با روی گشاده به جان خریده اند، چگونه ممکن است این همه قربانی داد و باز هم میهن پرست نبود".

ماهنامه مردم - شماره ۱۶ - تیرماه ۱۳۴۵

و می افزایند:

"ان اتهامات ناروایی که هم اکنون به ما نسبت می دهند به حزب کمونیست فرانسه و یا هر حزب مارکسیستی و کارگری دیگری نیزنسبت داده اند و کوشش کرده اند که آنها را جاسوس

و بیگانه پرست معرفی کنند ولی حقیقت روشن تر از آن است که با مشت‌های گل بتوان آن را پوشاند.

همین حزب باصطلاح بیگانه پرست فرانسه بود که در سالهای اشغال فرانسه از طرف ادمخواران فاشیست، بزرگترین نیروی نهضت مقاومت فرانسه را تشکیل داد و با قربانی دهها هزار نفر از بهترین فرزندان خود در راه نجات فرانسه، داغ ننگ و رسوایی بر پیشانی مخالفان هرزه درای خود کوبید. این قربانیها را حزب کمونیست فرانسه برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و آزادی میهن خود داد نه بخاطر وطن فروشی و بیگانه پرستی".

ماهنامه مردم - شماره ۱۶ - تیرماه ۱۳۴۵

انچه مایه تأسف است شنیدن این اظهارات از جانب کسانی است که خود را " فدایی" مردم می دانند و در مطبوعاتشان خود را کمونیست و هوادار سوسیالیسم معرفی کرده و هدف مرکزی خود را "همکاری و همگرایی نزدیک تر و هدفمند تر نیروهای طرفدار سوسیالیسم و مدافع منافع اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشان، بر اساس خطوط کلی برنامه ای با هدف رسیدن به یک جنبش فراگیر سوسیالیستی در ایران" در اسناد سازمانی خود عنوان می نمایند.

اسناد کنگره دوم سازمان اتحاد فداییان خلق ایران - سند شماره ۲ - مصوب مرداد ۱۳۷۷

امروزه حتی سالها پس از فروپاشی اتحاد شوروی، حزب توده ایران از اعضای فعال خانواده احزاب کارگری و کمونیستی است و به اهمیت این همکاری بین المللی که میان احزاب پرولتاری سراسر جهان وجود دارد واقف است.

سخن پایانی

نگارنده مایل است سخن پایانی را از زبان رفیق شهید دکتر فرج الله میزانی (جوانشیر) نقل کند:

"گذشته نهضت‌های زحمتکشان ایران از زمان مزدک تا به امروز از فراز و نشیبهای فراوان گذشته و در آن تلخ و شیرین به هم امیخته، ناپختگی با درایت و ضعف با قهرمانی - ولو با نسبت‌های گوناگون - در کنار هم بوده اند.

ولی تاریخ مبارزات زحمتکشان هر چه هست همین است. زحمتکشان ایران تاریخ دیگری ندارند و هر کس بخواهد بخاطر اشتباهات مزدک از نهضت مزدکی فاصله بگیرد و این نهضت را به لجن بکشد، دانسته یا ندانسته در سنگر ستمکاران قرار دارد. در کنار تاریخ حزب توده ایران و جدا از این تاریخ طبقه کارگر و توده زحمت ایران معاصر تاریخ دیگری ندارد. فاصله گرفتن از این تاریخ، به هر بهانه ای باشد، فاصله گرفتن از طبقه کارگر است.

و اما در باره اصل مطلب، خوشبختانه تاریخ حزب توده ایران درخشانترین صفحه تاریخ معاصر ایران و اوج تجلی خلاقیت، فداکاری و صداقت زحمتکشان ایران است. خدماتی که حزب توده ایران به جامعه ایران و بویژه طبقه کارگر آن کرده، در تاریخ سایر احزاب کارگری هم کم سابقه است. مجموعه شرایط داخلی و خارجی حزب ما را در مقامی قرار داد که توانست بهترین و سالمترین انرژیهای جامعه را در کوتاهترین مدت تجهیز کند و در خدمت تکامل و ترقی بگذارد.

این تاریخ خوشایند طبقات ستمگر نیست. سرمایه داری ایران که تاریخش مآلما از ضعف، زبونی، تسلیم و خیانت به امر توده مردم است (و در عین حال می کوشد حتما رهبر مردم باشد) نسبت به طبقه کارگر ایران رقیب تاریخی خود - کینه حیوانی دارد. روشنفکران بورژوا می کوشند تاریخ طبقه کارگر را به لجن بکشند تا شاید گناهان کبیره سرمایه داری ایران و جنایتهای باورنکردنی سرمایه داری انحصاری بین المللی در ایران، دور از دیده ها

بماند و یا لاقلاً کم‌رنگ شود. اینان بطور سیستماتیک و با حساب دقیق و با استفاده از همه وسایل تبلیغات جهانی امپریالیسم جهانی، تاریخ نهضت کارگری ایران را تحریف می‌کنند تا نسل جوان را نسبت به گذشته نهضت کارگری بدبین کرده، به سنگر سرمایه‌داری جلب کنند. آنها می‌دانند که حد وسطی نیست.

کسی که از طبقه کارگر جدا شود – با تمام ادعاهای پر جنجال که ممکن است داشته باشد – در سنگر بورژوازی قرار خواهد گرفت."

سیمای مردمی حزب توده ایران – تألیف ف. م. جوانشیر – صفحات ۷۸-۷۹

راه توده ۱۵۱ ۰۱،۱۰،۲۰۰۷